نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دوازدهم - شماره ۵۶۳ - یک شنبه ۵ مهر ماه ۱۳۸۸ - ۸ صفحه - ۲۵۰ تومان



لرزه ورزشگاه اهواز در برابر بوشهری ها

صفحه۷

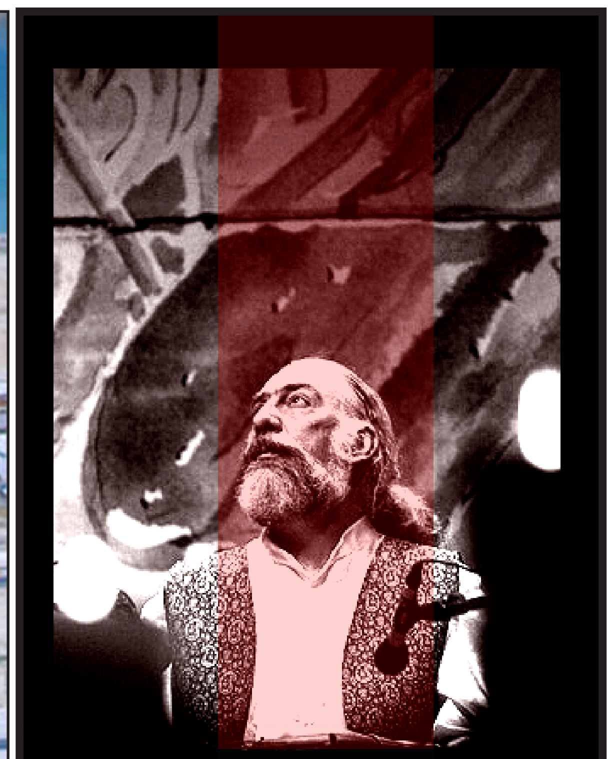


شادی بوشهری ها لب کارون

صفحه۸



فراموشی حق همسایگی در کنار پارس جنوبی!



داغی هماره بر صحن سنتور...!

به انگیزه ی ناباوری مرگی چنین سرشار
از فاجعه و فراقی این گونه انبوه از اندوه؛
و بدرود هماره ی استاد
پرویز مشکاتیان...

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



صفحه۳

در ستایش عدالت

خلیل موحد



صفحه۳

کیک اوباما و ما

محمود دهقانی - استرالیا



صفحه۵

فرزانه آذین



کلاس چهارم دبستان شهدای ۲ دهقاید
با تشکر از خانم کمالی(مدیرمدرسه)، خانم خسروانجم (آموزگار) و خانم رحیمه آبشیرینی

رجوع به صفحه ۲

دعوت به مجمع عمومی عادی نوبت دوم

بدینوسیله از اعضاء محترم شرکت تعاونی مصرف کارکنان نیروگاه اتمی بوشهر جهت شرکت در مجمع عمومی عادی نوبت دوم که روز سه شنبه تاریخ ۸۸/۷/۱۴ ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر در محل نمازخانه سایت با موضوعات ذیل برگزار میگردد، دعوت بعمل می آید.

موضوعات:
ارائه گزارش عملکرد مالی سالهای ۸۵تا۸۸
انتخاب بازرس جهت سال مالی ۸۸
پرسش و پاسخ

شرکت تعاونی مصرف کارکنان نیروگاه

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ٥٦٣ یک شنبه ٥ مهر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

شکوهی عضو شورای شهر بوشهر:

بخشی از فعالیت های شهرداری با مشکل روبرو شد

– با توجه به مطرح شدن بحث استعفای شهردار در تیرماه، این استنباط بوجود آمده که شورای شهر به مدت سه ماه معطل استعفای شهردار بود. آیا این استنباط درست است؟

– ما معطل استعفای شهردار نبودیم چون اصلاً انتظار استعفا را از سوی ایشان نداشتیم، بلکه از آنجا که ایشان در زمان رأی اعتمادشان اعلام کردند که تا پایان ۴ ساله شورای شهر، شورا را همراهی خواهد کرد منتظر بودیم که تا پایان دوره کاری شورا ما را همراهی کنند ولی کم و بیش به صورت غیر رسمی اعلام شد که بنا دارند بروند؛ مهندس رجایی از سال گذشته بنا داشت که بنا به دلایل شخصی استعفا دهد.

– در طول یکسالی که شهردار مصمم به استعفا بودند، شورای شهر چه اقدامی انجام دادند؟

– از سال گذشته که زمزمه استعفای ایشان شنیده شد، توسط شورای شهر جلسه ای گرفته شد و ایشان در آن جلسه اعلام کرد که تا پایان سال ۸۷ در شهرداری مشغول به کار خواهند بود و اینکه بنای استعفا دادن را ندارد ولی از اول سال(۸۸) مجدداً موضوع استعفای ایشان مطرح شد و نهایتاً به اینجا ختم شد.

– واکنش شورای شهر نسبت به موضوع استعفای مهندس رجایی چه بود؟

– شورا بنا نداشت موضوع رفتن شهردار را اعلام کند و بنا داشت که خودش تصمیمش را در رابطه با ماندن یا رفتن بگیرد و در این میان اکثر اعضای شورا تلاش کردند که اگر موانعی وجود دارد از سر راه او بردارند تا به فعالیت خود ادامه دهد.



– در دویست و بیست و یکمین جلسه علنی شورای شهر، تعدادی از اعضا به ناراحتی شهردار از شورا اشاره داشتند و این حدس و گمان را بوجود آورد که شهردار به خاطر گلایه ای که از شورای شهر دارد تصمیم به استعفا گرفته است. نظر شما در این خصوص چیست؟

– شاید برای رفع سوء تفاهم ها برداشت هایی شده بود؛ در صورتیکه در مسیر فعالیت های قانونی، تذکر و نظارت جزء وظایف شورا است و کسی که این مسئولیت را پذیرفته قطعاً این آگاهی را داشته و بعید است که به خاطر این موضوعات دست به استعفا زده باشد.

– همانطور که اعلام کردید شهردار از سال گذشته قصد استعفا داشتند اما قول دادند که تا پایان سال ۸۷ در مسند شهرداری باقی بمانند اما از آغاز سال جدید دوباره قصد رفتن کردند. به نظر شما با توجه به اینکه بحث استعفا را از ماه ها قبل اعلام کردند چرا از تسلیم نامه استعفایشان خودداری کردند تا اینکه به شهریور ماه موکول شد؟

– این موضوع به تصمیم شخصی ایشان بر می گردد که زمان استعفایش را امروز انتخاب کرد و قطعاً در این مدت مشغول انجام بررسی ها و هماهنگی هایی با برخی مسئولین و دستگاه های محل خدمتش (وزارت نیرو) بوده تا بعد از انجام هماهنگی ها استعفای خود را تقدیم کند.

– روند فعالیت های شهرداری را از زمان بیان موضوع استعفای شهردار چگونه ارزیابی می کنید؟

– در این مدت بخشی از فعالیت های شهرداری با مشکل روبرو شد و این شوکی است بر حوزه شورا و شهرداری و انتظار این است با اقدام به موقع شهردار و همکاری وزارت کشور به سرعت انتخاب جدید شهردار صورت گیرد؛ وقتی بحث جابجایی مدیری مطرح می شود بنا به فرهنگی که در سیستم اداری مطرح است و با توجه به اینکه خیلی از تصمیمات قائم به شخص است و بالاترین مقام دستگاه نقش مهمی دارد با خلئی روبرو می شود و با موضوعاتی که در مدت یک سال مطرح بود فعالیت ها با آن سرعتی که می توانست داشته باشد انجام نشد و می توانست سرعت بیشتری داشته باشد.

– با توجه به زمان کمی که تا پایان دوره کاری شورا باقی مانده فکر می کنید شهردار آینده چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

– پیش از همه باید گفت که بحث استعفا باید رأی بیاورد اما در این موقعیت و با توجه به فرصت زمانی و شرایط حاکم بر وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فردی با تجربه مدیریتی و دارای توانایی و شناخت لازم به حوزه کاری و شهری می تواند گزینه مناسبی برای شهرداری آینده باشد.

شجاعی عضو شورای شهر بوشهر:

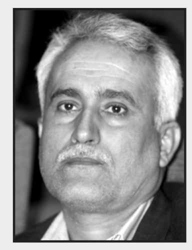
استعفای شهردار را جدی نمی گرفتند

– به نظر شما آیا بحث استعفای شهردار در روند فعالیت های شهرداری هم تأثیری داشت؟

– تاثیر ملموسی نداشته چون اکثریت قریب به اتفاق افراد، آن را جدی نمی گرفتند حتی اعضای شورا در صورتی که اگر همه آن را جدی می گرفتند حتماً در روند فعالیت های شهرداری تأثیر داشت. کار شهرداری مثل روال قبل بوده و افراد موضوع استعفای شهردار را جدی نمی گرفتند به همین دلیل در روند کار شهردار تاثیر چندانی نداشته است.

– آیا شورای شهر با استعفای شهردار موافقت خواهد کرد؟

– من با استعفای شهردار مخالف هستم و در روز رأی گیری هم نظر مخالف می دهم.



– مهمترین وظیفه شورای شهر در این فاصله زمانی چیست؟

– شورای شهر نه تنها باید سعی کند فرد مناسبی را انتخاب نماید بلکه به جد و بیش از پیش و با همکاری تنگاتنگ روی مسائل عمرانی، فرهنگی و اقتصادی تکیه بسیار داشته باشد تا شهردار جدید زودتر کارش را شروع کند و در مشارکت مردمی و سرمایه گذاری هم توفیقی حاصل شود.

– مهمترین ویژگی شهردار آینده از نظر شما چیست؟

– با توجه به کمبود وقت، شهردار آینده باید فرد جسور و پیگیری باشد و با جدیت برنامه های عمرانی را که تا یک سال آینده بسته شده به خوبی اجرا نماید. ضمن اینکه مشارکت جدی و نگاه سرمایه گذاری و اقتصادی خوبی داشته باشد.

پوربهی عضو شورای شهر بوشهر:

باید با حساسیت و مسئولیت، شهردار آینده را انتخاب کرد



– از آنجا که نامه استعفای شهردار اخیراً تقدیم شورای شهر شده بفرمائید که اولین اقدام شورا در این راستا چه خواهد بود؟

– با توجه به استعفایی که تحویل شورا داده شده، شورای شهر موظف است در جلسه هفته آینده بر روی این نامه به بحث بنشیند و حتماً بر روی این موضوع رأی گیری می شود.

– رأی شورای شهر به استعفای شهردار مثبت خواهد بود یا منفی؟

– به نظر من با توجه به اینکه خود مهندس رجایی بر روی این قضیه مُصِر است و تصمیم خود را جهت رفتن گرفته است، به احترام ایشان هم که شده با آن موافقت می شود.

– – روند فعالیت های شهرداری را از زمان بیان موضوع استعفای شهردار چگونه ارزیابی می کنید؟

– روند کار شهرداری با توجه به اینکه آقای شهردار در طول ۳ ماه به کرات بیان داشته بودند که من در حال رفتن هستم و استعفا خواهم داد، بخش های مختلف شهرداری تحت الشعاع این موضوع قرار گرفت و قطعاً در هر سازمانی که رئیس آن سازمان این چنین برخوردی داشته باشد کارهای آن سازمان تا حدودی تابع همان موضوع قرار گرفته و در آن بی نظمی صورت می گیرد. من در این ایام ۳ ماهه مشاهده کردم و شنیدم که بخش های مختلف در شهرداری از حالت عادی خارج شده بودند و تابع مافوق خود نبودند.

– در این مدت زمان بسیار کم که تا پایان دوره کاری شورا و شهرداری باقی مانده، مهمترین رسالت شورای شهر را در چه می دانید؟

– شورای شهر سه ماه فرصت دارد تا شهردار را تعیین کند. ضوابط موجود برای شهردار مرکز استان با یک پیشینه تاریخی و فرهنگی معتبر کار سختی می باشد ولی من فکر می کنم دوستان باید با حساسیت تمام و با مسئولیت نمایندگی خود، فردی را که از نظر علمی و تجربی جایگاه مردمی قابل قبولی داشته باشد، انتخاب نمایند تا بتواند سیستم شهرداری را هر چه سریع تر در یک وضعیت مثبت قرار دهد، به خصوص در زمینه سیستم مالی اداری و جذب سرمایه و خروج شهرداری از مشکلات مالی اقدام نماید و در زمینه رسیدن به کارهای عمرانی در محلات به خصوص آسفالت کوچه های محلات و جداول و رسیدگی کامل به بافت قدیم اقدام عاجل انجام گیرد.

نماینده کنگان:

حماسه دفاع مقدس باید زنده نگه داشته شود



نماینده مردم کنگان، دیر و جم در مجلس شورای اسلامی گفت: حماسه هشت سال دفاع مقدس از بزرگترین افتخارات تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران است که باید زنده نگه داشته شود.

دکترعسکر جلالیان در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: انتقال خاطرات هشت سال دفاع مقدس و رویدادهای آن دوران به نسل جوان یکی از مهمترین راه های زنده نگه داشتن فرهنگ دفاع مقدس است.

وی اظهار داشت: باید تمام توان خود را بکار ببندیم و یکی از مهم‌ترین اتفاقات ارزشمند این کشور که حماسه دفاع مقدس است را برای مردم تشریح کنیم تا همگان بدانند که چه رویداد ارزشمندی برای ملت ایران به ثبت رسیده است.

جلالیان بیان کرد: در همه جای دنیا افتخاراتی که برای کشورشان به‌وقوع می‌پیوندد را ثبت و ضبط می‌کنند و به نوعی تاریخ خود را زنده نگه می‌دارند و با این کار می‌کوشند هویت کشور خود را پویا و زنده نگه دارند و به همین دلیل بزرگداشت دفاع مقدس سبب می‌شود که این حماسه ارزشمند برای نسل‌های بعد نیز انتقال داده شود.

وی یادآور شد: در داخل کشور برخی ها دوست ندارند حماسه دفاع مقدس زنده نگه داشته شود و زمزمه‌هایی می‌کنند که بسیار ناجوانمردانه است و به نظر می‌رسد که Vاین افراد هویت کشور را نشانه گرفته‌اند بنابراین باید بطور جدی حماسه دفاع مقدس را گرامی بداریم.

جلالیان ادامه داد: ما هنوز مجروحان جنگ را در داخل بیمارستان‌ها داریم، هنوز جانبازان دفاع مقدس زخم تازه دارند، هنوز داروهای مسکن مصرف می‌کنند و خیلی زود است که حماسه دفاع مقدس را فراموش کنیم.

وی اضافه کرد: هنوز خانواده مفقودالاثرها چشم به راه هستند که عزیزانشان برگردند و هنوز حماسه دفاع مقدس زنده و پویا است و در جلوی چشمان ما قرار دارد و باید این ایام را زنده نگه داریم.

حادثه رانندگی برای محسن شریفیان



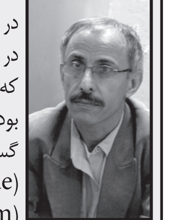
در پی لغزندگی جاده در ورودی اتوبان نیایش و منحرف شدن خودروی محسن شریفیان، وی از ناحیه ی لگن، کتف و لب دچار مصدومیت شد و در حین بیهوشی به بیمارستان حضرت رسول و بعد از چند روز به دلیل حساسیت عمل به بیمارستان دی منتقل شد که در حال حاضر شرایط او کاملا رو به بهبود است.

ماکان صغیری در مورد همکاری مسئولین گفت: " آقای افراشته رئیس امور اداری مجلس شورای اسلامی، دکتر خبری به نمایندگی از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر ترابی معاون مرکز موسیقی و آقای رضایی رئیس انجمن موسیقی حضوری به دیدار وی رفتند. خانه مطبوعات بوشهر، دفتر نماینده محترم مردم دیر و کنگان، مدیر صدا و سیما، اداره ی ارشاد، بوشهرشناسی، تربیت بدنی و ... به صورت تلفنی ابراز محبت کردند. وظیفه ی خود می دانم در این رابطه از اهالی فرهنگ، دوستان، همشهریان و بوشهری های مقیم مرکز تشکر کنیم.

در ستایش عدالت(۱)

نگاهی به بازتاب عدالت در متون سنتی اخلاق
تقدیم به شادروان قاسم مهدی زاده

خلیل موحد



در علم اخلاق(Science of Ethics) در انگاره‌های سنتی(traditional) که مولود اندیشه‌های علمای مسلمان بوده و در متون کلاسیک اسلامی بازتابی گسترده یافته است؛ اضلاع اصلی فضیلت (Virtue) عبارت اند از: حکمت یادانش (Wisdom)، شجاعت (Courage)، عفّت (Continence) و عدالت (Justice).

نشاندن عناصر یاد شده در پیشانی فضایل، متأثر از آموزه‌های اخلاقی حکیمان یونان باستان و در صدر آن‌ها، افلاطون (۴۲۷ یا ۴۲۸ ـ ۳۴۷ یا ۳۴۸ ق.م.) و شاگردش ارسطو (۳۸۴ ـ ۳۲۳ ق.م.) است.

این پسندیده های چهارگانه، برای دیگر صفات متعالی، در نقش مادرانی هستند که سایر اخلاقیّات به سان فرزندانی از دامن آن‌ها زاده می‌شوند. این چهار خیر بنیادین Basicgood)) نسبت به انواع و زیر مجموعه‌ی خود، به منزله‌ی جنس (Genus) بوده و همه‌ی رفتارها و کردارهای داخل در قلمرو اخلاق ، در ذیل آن ارکان نیکی صورت بندی می گردد.

در میان همه‌ی زیبایی های انسانی، واژه‌ی پرشکوه عدل و داد امّا یک سرو گردن از دیگر صفات عالی بشری بالاتر است. برجستگی عدالت و اهمیّت بی همتای آن در سامانه‌ی فردی ومناسبات اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای را درمتون کلاسیک اخلاق به خوداختصاص داده است. ما نیز در این نوشتار به نحو اختصار به بازخوانی مفهومی ومصداقی عدالت از منظر علمای سنتی اخلاق می پردازیم.

تعریف عدالت

در علم اخلاق میراث علمای سلف، واژه‌ی عدالت به دو صورت عام و خاص، تعریف و کاربرد یافته است.

۱ـ عدالت به مفهوم عام؛ درباره‌ی چیستی مفهومی عدالت در معنای عام، این تعاریف در متون سنتی اسلامی علم اخلاق جلب توجه می‌کند.

۱ـ۱ـ عدالت، مهار کردن غضب و شهوت، تحت رهبری عقل و دستور شرع و پیروی همه‌ی قوای غضبیّه و شهویّه از فرمان خرد است. عدالت گرانیگاه و محل آمیختگی و سازگاری سه فضیلت حکمت،عفّت و شجاعت می‌باشد.(۲)

۱ـ۲ـ عدالت، پالایش عقل عملی و فرمان بری آن از عقل نظری در ساماندهی و رتق و فتق تمامی اموری است که داخل در اعمال و رفتار آدمی قرار دارد.(۳)

۱ـ۳ـ عدالت،ملکه‌ای حاصل در نفس انسان است که به سبب آن قادر می‌شود که همه‌ی صفات و افعال را تعدیل نموده و آن‌ها را در حد وسط نگه داشته، و نزاع و کشمکش قوای درونی آدمی را به نحوی رفع نماید که میان آن‌ها اتحاد و الفت ایجاد گردد.(۴)

۱ـ۴ـ عدالت، هیأتی نفسانی است که به «ناموس» یا قانون الهی که تقدیر و اندازه گیری امور و تعیین اوضاع (قوانین) و واسطه‌ها را به عهده دارد، تمسّک می‌جوید. خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ ـ ۶۷۲ ه.ق) که این تعریف را درباره‌ی عدالت ارایه کرده، شریعت الهی را که از آن به ناموس الهی تعبیر می‌کند، واضع تساوی و عدالت دانسته و آن را معطوف به این گزاره می‌داند که خدا منبع وحدت است.(۵)

افزون بر آن چه گفته شد،به نظر می‌رسد مفهوم عام عدالت،همان رعایت اعتدال،میانه روی و حرکت در طریق و مسیر وسط و روی گردانی از رویکردها،اعمال و رفتارهای منتهی به افراط و تفریط است.

۲ـ عدالت به معنای خاص؛ این مفهوم عدل که در مقابل ظلم، جور، بیداد و ستم به خلق کارکرد می‌یابد، در کتاب های اخلاقی اسلامی جایگاهی سترگ و پر گستره‌ای یافته و انبوهی مستندات نقلی (آیات و روایات و رفتارهای عملی پیشوایان دین و برخی حاکمان عادل کردار) در وصف این مفهوم قدسی غریب مانده در عالم خاکی و در شان و منزلت بلند این کالای کمیاب، پیوست مستدلات و داوری‌های عقلانی شده است.

۲ـ۱ـ ملامهدی نراقی (درگذشت، ۱۲۰۹ ه.ق.) عدالت را «خودداری از ستم و برطرف کردن آن، و به راه راست بودن و برپا داشتن حق هر کسی.» می‌داند. (۶)

۲ـ۲ـ به باور ملااحمد نراقی (درگذشت،۱۲۴۵ه.ق.) عدالت عبارت است از :«بازداشتن خود از ستم به مردمان و دفع ظلم دیگران بقدر امکان از ایشان و نگاهداشتن هر کسی را بر حق خود.»

این دو نویسنده‌ی پدر و پسر تصریح کرده‌اند که مراد از عدالت مندرج در آیات و اخبار،همین معنای خاص عدالت است.(۷)

۲ـ۳ـ عدل، رساندن منافع به دیگران از راه طبع است، و «نوریست از انوار عقل مقدس و شعاعیست از اشعه عالم ملکوت که برروان گویا و نفس پاک ملوک نزول کند...» نفس انسان عادل نیز پس از جدایی از جسم «به سعادت ابدی» و «انوار بی نهایت»حق می رسد.(۸)

این معنای عرشی عدالت، چنان در مرتبه‌ای رفیع و بی بدیلی لنگر انداخته است که هیچ عبادتی را یارای هم ردیفی و یا پهلوزنی با آن نیست. پیامبر اسلام نیز درباره‌اش گفت: «یک ساعت عدالت از ۷۰ سال عبادت که شب‌ها به نماز و روزها به روزه بگذرد و ۶۰ حج بهتر است.»(۹)

عدالت که به عقیده‌ی علمای یاد شده شریف‌ترین و برترین فضیلت‌ها است، نه جزوی از فضایل، بلکه همه‌ی فضیلت به شمار می‌رود. و حد وسط و راه میانه‌ی میان « ظلم» و« انظلام» است. ظلم تصرف در نفوس و اموال مردم به ناحق و انظلام یعنی ظلم و ستم پذیری از ظالم و تسلیم شدن و به ذلت افتادن در برابر بیداد گران است

دو طرف عدالت، یعنی افزون طلبی و نیز اندک خواهی ، هردو در حکم جور است. فرد اگر سود و زیان را یکسان تقسیم نکند فردی ستم پیشه خواهد بود. (۱۰) عدالت در کار ویژه‌ی خود همان رعایت تام و تمام حقوق مادی و معنوی آدمیان، و عدم تجاوز و دست اندازی ظالمانه به حقوق انسانی، حیثیّت، جان و مال خلق است.

به گمان صاحب فرائد السّلوک البته اگر آدمی در اصل بد گوهر بوده و طبیعتی درنده خو داشته باشد، نه فقط عدل و انصاف در زندگی او نمود نخواهد داشت، بلکه به عکس اهریمن ظلم و ستم بر جای اهورمزدای وجود او تکیه خواهد زد و در نتیجه «خلائق از افعال اوبه بلا مبتلا باشند و از ایذاء او به محنت گرفتار».

امّا این فقط خلق نیستند که از دست این حرامیان، آدم فروشان و آدم خواران کینه توز،در دریای حرمان و فقر و رنج غرق شده، بلکه روح خود این نابکاران نیز پس از مرگ، راحتی را تجربه نکرده و در تاریکی و حیرت ماندگار می‌شوند و انوار ایزدی بر وجود پلشت آنان سایه نمی‌اندازد.(۱۱)

ادامه در شماره بعد

فراموشی حق همسایگی در کنار پارس جنوبی!

حسین قاسمی - کنگان



در پی گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۵، پیامدهای مثبت و منفی طرح توسعه منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی ها این را نشان می داد: متغیرات اقتصادی و صنعتی منطقه در تقابل با متغیرهای فرهنگی و اجتماعی می باشد. بنابراین هدف مشخص می شود. برای توسعه همه جانبه و فراگیر نیاز است متغیرهای موجود به موازات همدیگر توسعه یابند.

آن چه در بدو امر و راستای اجرایی شدن سیاست های وزارت نفت مطابق با سند چشم انداز ۲۰ ساله و افق طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی دیده شده بود، تجمع سرمایه گذاری های گوناگون در بخش صنعت که شامل صنایع بالا دستی- پایین دستی- مختلط – نیمه سنگین و صنایع پتروشیمی همراه با خدمات جانبی دیگر بود تا روند برداشت از مخازن گازی پارس جنوبی سرعت بیشتری به خود گیرد و در حقیقت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به یکی از قطب های مهم اقتصادی کشور مبدل گردد.

اما پس از سالها و بنا بر دلایلی که خارج از موضوع بحث می باشد این پیشرفت بر خلاف سرعت اولیه به کندی گرائید.

با همه این وجود، این حجم گسترده از سرمایه گذاری که منجر به تضعیف در بخش های دیگر منطقه هم چون " کشاورزی" و " شیلات " هم شده بود، نتوانست مشارکت حداقلی نیروهای بومی یا همان همسایگان باسابقه صنعت را به خود جلب کند. تا جایی که پیگیری علل این اهمال، با توجیه نه چندان قانع کننده پاسخ داده می شد؛ نیروی بومی فاقد تخصص لازم می باشد؛ ظاهراً در کشور ما این موضوع نهادینه شده است؛ به جای پیدا کردن راه حلی برای مساله خود صورت مساله پاک شود. اما چرا قانع کننده نیست؟ چون استدلالِ منطقی درآن به چشم نمی خورد. چرا که اولاً؛ همان نیروهای اندک تحصیل کرده هم حتیٍ به سختی جذب بدنه صنعت می شوند، ثانیاً؛ اکثریت مشاغل موجود نیاز به تخصص ندارند و ثالثاً؛ کدام آموزش و انگیزه یا زمینه سازی اولیه برای پرورش نیروهای متخصص وجود داشته و دارد.

اصولاً صنایع نفت و گاز از سال ۱۳۷۶ شروع به گسترش در این منطقه بیابانی کردند. مگر در آن زمان "فقر و محرومیت" این قسمت از جنوب کشور بر مسئولین امر پوشیده بود؟ آیا آنها به این مساله مهم توجه نداشتند که توسعه صنعتی باید در کنار توسعه اجتماعی صورت گیرد؟ یا حداقل پیش بینی های لازم را از سالها قبل از شروع پروژه ها یا پا به پای فعالیتهای صنعتی می توانستند داشته باشند؟ البته روی سخن من تنها وزارت نفت نیست، بلکه دیگر وزارتخانه ها نیز لازم بود نقش خود را در این پروژه ملی به شکل پررنگ تر ایفا نمایند.

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در سال ۱۳۷۷ با هدف ارائه تسهیلات لازم برای سرعت بخشی به اجرایی شدن پروژه های نفت و گاز و جلب مشارکت های خارجی و داخلی، همچون محرومیت زدایی در محدوده ای به وسعت۱۴۰۰۰ هکتار مربع و در ۲۷۶ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر تاسیس شد. از آن زمان تا کنون قریب به یازده سال می گذرد و اگر هفت سال قبل ازآن نیز برای مطالعه پیرامونی حوزه پارس جنوبی محاسبه شود. آیا ۱۷ سال زمان کافی برای برنامه ریزی مناسب در جهت توسعه و هم سوی کردن زیر ساختهای آموزشی و اجتماعی منطقه با صنعت در حال رشد نیست؟ (البته طرح مطالعاتی اکتشاف حوزه گازی پارس جنوبی به قبل از انقلاب برمی گردد)

شاید عده ای توسعه را در همین مقدار مساعدتی که سازمان منطقه ویژه به عنوان نماینده وزارت نفت به بعضی نهادها و ادارات موجود و در راستای تعامل با استان بوشهر کرده است کافی بدانند، کمک ها خوب بود اما کافی نبود.

و باز هم در مورد نحوه توزیع این مساعدت ها- با معیار اولویت نواحی تاثیر پذیر- جای سوال باقی می ماند.

و حالا چند پرسش:

۱- آیا آن تعداد نیروی دارای تخصص بومی هم به راحتی حتی- با توجه به مصوبه اخیر دولت در بکارگیری نیروی بومی- می توانستند جذب شوند؟

۲- یا اگر هم جذب شدند، یا خلاقیت ها و توانایی های آنها چگونه برخورد خواهد شد و چه جایگاه سازمانی برای آنان در نظر گرفته می شود؟

۳- در تعریف مردمان بومی معیار برای اولویتِ قرار گرفتن مناطق تحت تاثیر چیست؟ مثلا بخش عسلویه با جمعیت ۳۵۰۰۰ نفر و شهرستان کنگان با جمعیت ۴۵۰۰۰ نفر بیشتر در معرض آلودگی و عوارض ناشی از پروژه های صنعتی قرار دارند یا دیگر مناطق کشور؟

به عنوان نمونه در همسایگی غربی منطقه، بندر طاهری یا همان تاریخی سیراف با دو روستای همجوار به نام های پرک و شیرینو قرار دارد که سهم استفاده از فرصت های شغلی برای این مناطق که اتفاقاً هم بین سایت ۱ و۲ نیز واقع شده اند فقط ۳۵ نفر می باشد و ۹۸درصد این مشاغل هم خدماتی یا حراستی می باشند. مشاغلی که شاید هیچ تاثیری در بلوغ فکری آنان نداشته باشد و به عنوان دستاورد، تجربه مفیدی برای آنان به دنبال نیاورد.

موضوع دیگری که به آن باید اشاره شود، شهرستان کنگان و بخش عسلویه مناطق اصلی تحت تاثیر از آلایندگی زیست محیطی می باشند و با توجه به مشکلاتی که فرایندهای صنعتی بوجود آورده و یا در آینده به وجود خواهد آورد لازم است شدت این عوارض را بر "دریا و آبزیان" که تنها مدل شغلی غالب ساکنین این منطقه است مورد بررسی قرار داد و به فکر جایگزین کردن فرصتهای دیگر شغلی بود.

یکی دو سال است واحدی به نام اشتغال در سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس و به نمایندگی از وزارت کار مشغول جذب نیرو و فرایند کاریابی است. اما چند نکته درباره این ساختار جدید وجود دارد:

۱-با توجه به رکود چند ساله، بخش های زیادی از پروژه ها از فعالیت بازمانده اند و به تبعیت از آنها فرصتهای شغلی نیز کم شده است.

۲- دستورالعملهای این ساختار تا چه اندازه در شرکت ها قابلیت اجرایی دارد؟

۳- موارد تقاضا شده برای نیروی کار از طرف شرکت ها عمدتاً متخصص و حداقل در سطح تکنسین می باشد، حتی در همین سطح هم منطقه دچار مشکل است.

۴-جالبتر از همه دستورالعمل های واحد اشتغال در سازمان منطقه ویژه که متولی آن نیز هست اجرا نمی شود و بکارگیری نیرو به شکل دیگری در این سازمان انجام می پذیرد.

البته عوارض منفی که ازآن صحبت شد فقط شامل دگرگون شدن اکوسیستم طبیعی محیط نیست، بلکه شامل گسترش معضلات اجتماعی نیز می شود. که در اثر هجوم نیروهای کارگری بی شمار بوجود آمده است. و اگر به چهره شهر عسلویه (روستایی که به اجبار شهر شده است) نگاهی گذرا بیندازید، نمونه های زیادی از آنها را مشاهده خواهید کرد.

اما راه برون رفت " عسلویه" از این معضل و رسیدن به " توسعه متوازن" چیست؟ یا این که چگونه می شود عسلویه را به یک " شهر صنعتی" مبدل کرد تا تعامل مستقیم و تاثیر پذیری همه جانبه بین اجتماع پویا و صنعت روبه رشد وجود داشته باشد؟ این خود مطلب دیگری را می طلبد.

موسسه فرهنگی شهرداری بوشهر یا موسسه بنر؟!

قاسم خدری



یکی از انتقادات جدی که بر شهرداری و شورای شهر بوشهر صورت می گرفت، بی توجهی آنها به فعالیت های فرهنگی و عدم حمایت از نهادهای و انجمن های فرهنگی بود بطوریکه منتقدان، کارنامه شورا را در این زمینه بسیار ضعیف و غیر قابل دفاع دانسته و اقدامات شهرداری را نیز در این خصوص ناکافی می دانستند.

در مقابل این انتقادات شورای شهر و شهرداری بوشهر،وعده تشکیل موسسه فرهنگی شهرداری را داده و مدعی بودند که راه اندازی این موسسه می تواند به نقایص و بی توجهی های موجود در زمینه فرهنگی، نه تنها پایان دهد بلکه فصل جدیدی را در فعالیت های فرهنگی در شهر بوشهربگشاید.

گرچه راه اندازی و آغاز بکار موسسه فرهنگی شهرداری بوشهر، با فراز و نشیب هایی روبرو بود و خصوصا در انتصاب مدیر آن، وقفه ای صورت گرفت اما امید این بود که با راه اندازی این موسسه شاهد رویکرد مثبت شهرداری و شورای شهر به سوی فعالیتهای فرهنگی و رویکرد حمایت گرایانه از بخش های فرهنگ شهری باشیم، اما با کمال تاسف باید گفت که نه تنها اینگونه نشد که همان فعالیتهای فرهنگی هم که از سوی روابط عمومی شهرداری بوشهر انجام می گرفت، دچار وقفه شده است.

آنچه که از عملکرد موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بوشهر برای شهروندان بوشهر مشهود است علاقه عجیب و بیش از اندازه مدیران آن به «بنر» می باشد بطوریکه به هر مناسبت مهم و غیر مهم، این موسسه آماده است که دهها بنر را طراحی و چاپ نموده و در وسط بلوارهای خیابان شهر به صورت ناشیانه و با عجله نصب نماید. جالب این است که اکثر این بنرها هم از برابر استانداری بوشهر تا جایگاه نماز جمعه و در معرض دید مسئولان نصب می شود تا مسئولان استان بدانند که این موسسه چقدر فعالیت درخشانی دارد. جالب اینکه این بنرها معمولا عمر زیادی ندارند و بعد از یکی دو روز پاره می شوند که البته موسسه فرهنگی شهرداری بوشهر آنها را تعویض نمی کند، برای اینکه مناسبت دیگر از راه رسیده و این موسسه بار دیگر باید به وظیفه فرهنگی و بسیار مهم خود که نصب بنرهای جدید است اقدام نماید.

آنچه از موسسه فرهنگی شهرداری بوشهر و همچنین از شورای شهر بوشهر که غالب آنرا فرهنگیان خوش نام تشکیل داده اند، انتظار میرفت بسیار بیش از نصب دهها بنر در یک فاصله چند صد متری برای دو سه روز است و متاسفانه نه تنها آن انتظارات برآورده نشده که عملکرد این موسسه، ناامیدی را برای فعالان بخش فرهنگی به همراه داشته است. در آینده بیشتر در این مورد خواهیم نوشت.

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت
(قسمت اول)

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



تصمیم بر آن است که در سلسله نوشتاری کوتاه در حد بضاعت ناچیز و ناقص خود، نگاهی به سنت پیامبراسلام(ص) داشته وبه این امر لازم ومتاسفانه مغفول پرداخته ودر هفته نامه وزین نسیم جنوب ستونی را به خود اختصاص داده وبه محضرخوانندگان محترم ارائه شود ، ضرورت این کار با مطالعه ی آنچه ازاین پس می آید روشن خواهد شد. ازخوانندگان انتظار می رود که با نقد و نظر خود، به تصحیح و تنقیح آن بیانجامد تا به توفیق الهی مجموعه ای قابل ارائه به دست آید. با تذکر این نکته که تلاش و تصمیم بر اختصار و اشاره است و اذعان به این امر که هر عنوان می تواند خود کتابی مستقل و مفصل باشد اما ما لایدرک کله لایترک کله بعون الله تبارک وتعالی.

«بهترین الگو»

انسان در زندگی و روند پیش رو و در حرکت های فردی و اجتماعی خود نیازمند «الگو» است. الگو یعنی معیار و میزان و ملاک و عیاری که از جنس خود انسان باشد و آن راه را رفته باشد تا به منزله ی«نشانه» «آدرس»، «نمونه» و «چراغ راه» راهی مطمئن و بدون تزلزل، با یقین، همچون او رفته و طی طریق نمود. پای جای پای او گذاشت. او که می شناخت و شناختنش درست بود، عمل می کرد و عملش بی عیب و نقص بود، او که کامل بود و به کمال و هدفش رسیده بود. به «مقام محمود» و«قاب قوسین اوادنی» نایل آمده بود.

ما مسلمانان در دینمان و زندگی معنویمان، «پیامبر» بهترین الگو معرفی شده است و در دین اسلام، پیامبر به عنوان نمونه عملی آنچه که خداوند از یک انسان مسلمان می خواهد به ما ارائه شده، یک منظومه ی کاملی که در برگیرنده ی تمام خصوصیات نیکوی انسانی آنچنان که خالق آن می خواهد. و برای رشد و کمال انسانی باید وارد چنین منظومه ای شد و در جهان پیامبر به معراج در آمد و ستارگان آن منظومه را«رصد» نمود که مجموعه«گفتار و کردار، متد و روش» پیامبر است که آنرا«سنت» یعنی قول، فعل و تقریر آن حضرت باشد. که از مجموع آن می توان گفت:«پیغمبر چنین بود و ما نیز باید چنین باشیم.»

قرآن:«لقد کان لکم فی رسول الله اسوهٔ حسنهٔ لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً» (سوره احزاب۱۲).

«هر آینه شما را در(خصلت ها و روش) رسول خدا نمونه و سرمشقی نیکو و پسندیده است برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدای را بسیار یاد می کند.»

علی(ع):«و لقد کان فی رسول الله(ص) کاف لک فی الاسوهٔ» پیروی کردن از رفتار رسول خدا و الگوگیری از پیامبر برای تو کافی است. (نهج البلاغه/ خطبه۱۶۰).

اسوه حسنه، انسان کاملی است که در همه ی وجوه قابل تبعیت است.

سفیان بن عیینه: «ان رسول الله(ص) هو المیزان الاکبر، و علیه تعرض الاشیاء علی خلقه و سیرته و هدیه، فما وافقها فهو الحق و ما خالفها فهو الباطل» به درستی که رسول خدا(ص) میزان اکبر است و همه چیز را باید با خلق و سیره ،روش ، راه و رسم او سنجیده و بدان عرضه نمود، که اگر با آن موافق بود حق است و چنان چه با آن مخالف بود، باطل است. (میزان الاعتدال/ ج۲/ ص۱۷۰-۱۷۱).

علی(ع):«ارسله داعیاً الی الحق و شاهداً علی الخلق» خداوند پیامبر را فرستاد تا به سوی حق دعوت نماید و گواه اعمال خلق باشد. (نهج البلاغه/ خطبه۱۱۶).

علی(ع):«سیرته القصد و سنته الرشد و کلامه الفصل و حکمه العدل» سیره و راه و رسم او معتدل و روش او صحیح و متین و سخنانش روشنگر حق از باطل و حکمش عادلانه است. (نهج البلاغه/ خطبه۹۴).

دو منبع حق و شناخت حقیقت: قرآن وسنت رسول الله (ص) و امامان معصوم (ص) می باشد که از مبدا وجود یعنی خداوند حکیم سرچشمه گرفته است و معرف حقیقت انسان و نیاز های اوست و هیچ خطا و بطلانی در آن راه ندارد و دیگر هیچ شخصی معیار حق نیست چون همه دامن آلودند و دعوی بی گناهی از آنان گزاف خواهد بود. به قول حافظ: وقتی که برق عصیان بر آدم صفی زد/ ما را چگونه زیبد دعوی بی گناهی

علی(ع):«ان دین الله لا یعرف بالرجال بل بآیهٔ الحق فاعرف الحق تعرف اهله»دین خدا با شخصیت ها شناخته نمی شود، بلکه شناخت آن با نشانه ها و آیات حق است، پس خدا را بشناس تا پیروان آن را بشناسی. (امالی مفید/ ص۵).

نسیم جنوب ۴
ادب وهنر
شماره ۵۶۳ یک شنبه ۵ مهر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

کوچ استاد

به مناسبت چهلمین روز درگذشت استاد فرزانه «عبدالحسین شریفیان»

غلامرضا ایزدپناهی - بوشهر

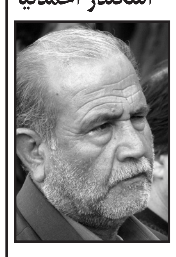
ساربان رفته ست،
پرکشیده کاروان سالار،
صبحدم، هنگام کوچ ایل.
کاروان تنهاست!
آن بیابانی که میدانی نهایت را ندارد پیش،
پیش روی کاروان گسترده بال خویش
ایل بی سردار
ایل در تشویش.



*
باغبان رفته ست،
باغ، تنها مانده در پاییز،
برگهایش زرد و پژمرده ست،
***
کاروان سالار، اما،
پیش ازین بنموده راه دشت و صحرا را،
بریکایک همرهان کاروان خویش.
و آن درختان تناور کو بار آورد،
ریشه هاشان اندرون خاک، بفشرده ست،
بذرهاشان نیز،
منتظر، تابگذرد پاییز،
تا زمستان بگذرد، آرد بهاری نو.
***
روانش شاد یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

بر منقارشان ، قار قار آنتن ها

اسکندر احمدنیا



در آسمان شرجی
کمی سپیدند
و شب کلاغ تمام
دریایی، زمینی
آسمان آبی نیست
قهرهای شیروانی
خرچنگ های ساحل
هیچ موشی، زیر چرخ های آسفالت نمی رود
در سال های دریایی
از سنگواره، گذشته اند
فوتبال را، بی بلیط
شام را، بی سفارش
صبحانه را، بی انتظار
کلاغ ها، جنوبی اند
بر میزهای بلندشان
صابون / سکه / مداد
و گردنبندهای محصور
گاهی انجیر
فراز باستان آب
ماهی های مرده
بهار و مرغ عشق
و فاخته های غریب
در قار قار ماسه
کلاغ ها، جنوبی اند

هیولای زمان

فرح راورد شیری



با کفشهای رنجور
از دیار دور
با چشم های مسافر و
با لب های سوگوار
و دستانش که چونان روز
کشیده می شود
بریهنای زمان
همچنان که گامهایش
ضربه مداومی است بر پشت دیوار جهان
پیرمرد
خفته و
هیولای زمان
در انتظار !
سایه درخت توی مه
دود مبهم و غلیظ
شاخه های لخت
زخم های نو پدید
دست های نا امید
جنگلی که گم شده درون مه
شاعری که خیره مانده است
به ...

داغی هماره بر صحن سنتور...!

به انگیزه ی ناباوری مرگی چنین سرشار از فاجعه و فراقی این گونه انبوه از اندوه؛ و بدرود هماره ی استاد پرویزمشکاتیان...

حماسه ی حق پرست



پیش درآمد: تاریخ موسیقی ملی ایران نیز همچون سایر تواریخ زندگانی و مرگ دیگر بزرگان عرصه های انسانی علم و هنر و فرهنگ،در فراز و فرود هستی و حوصله ی بیتوته ی گذرای خود (در این سپنج بی بند و بار!!!)،مملو از داغ عزیزان و عاشقانی است که یکان یکانشان بر جان و جبین دوستداران و مشتاقان موسیقی ایران نقر و نقش بسته اند و از قضا این دشنام پست آفرینش را که به معنای واقع کلام نغمه ی ناجور است هرگز به دست فراموشی نخواهند سپرد!



FARS NEWS AGENCY Photo : Mohammad Kheirkhah

آن چه در این میانه اما جای درنگ و داد دارد،همان داستان پر آب چشم بدرقه ی یاران است بر دوش هایی شتابان که به ناگزیر هنرمند بی همتا و عارفی راستین چون پرویز مشکاتیان را می بایست تشییع کنند تا در کنار عطارنیشابوری اش به خاک بسپارند و دیگر هیچ...!

آری؛ناگزیرند یاران به مشایعت دستان خفته ای که اعجاز و اعجاب موسیقی ملی ایران بود و در سماع صور خیالش همین بس که سروده شد: شود کوه آهن چو آب روان/ اگر بشنود ساز مشکاتیان!

آری؛صد سال سنتورنوازی ایران در هفته ای که گذشت به زیر تابوت پرویز مشکاتیان نالید و از جانکاهی درد به خود سخت پیچید که:دریغا! دیگر بار این گذرگاه بازخواهد ایستاد تا شاید...تاشاید روزی دوباره این چرخ به مضرابی بچرخد و تاریخ سنتور برگ دیگری بر کتاب خود بیفزاید.

جاودان یاد استاد پرویز مشکاتیان،استوره ی بی همانند موسیقی ایران با مرگ نابهنگام خود؛حالا به راستی غبار غم بر دیدگان نشانده است و بی تردید قرار از دل ها ستانده است.

خنیاگر پرخروش و خیالی که در بدایع و بداهه ی موسیقی ایران آیین دیگری را رقم زد و در ساخت و پرداخت قطعات و تصانیف ماندگارش، بر ارزش های دوباره و نامکشوف زیباشناختی شعر و موسیقی این سرا و سرزمین سخنی نو به میانه کشاند و دیدگاه همگان را به جلوه گاه این وادی پر پیچ و خم جذب و جلب نمود.

نگه گوشه ای بر آثار و آفرینه های این استوره ی هنر ایران زمین گواهی است اما بر این سخن.

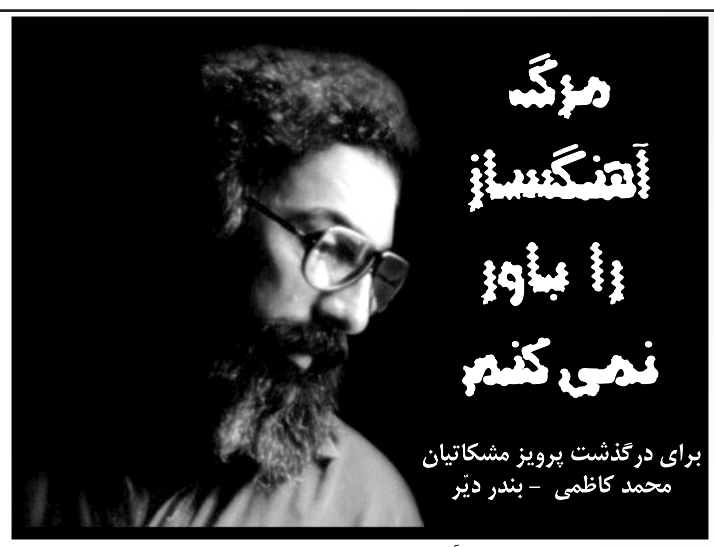
همکاری مشکاتیان با گروه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران در راستای بازخوانی و احیا موسیقی ردیف دستگاهی ایران . همنوازی و همکاری با هم نسلانی چون حسین علیزاده و محمدرضا لطفی و کناره گیری اش از رادیو در پشتیبانی و حمایت از جنبش مردم در ۱۷ شهریور۵۷ از رادیو ایران و نقش و حضور مستمر و پرتعهد او در بنیادگذاری موسسه فرهنگی و هنری چاوش و نیز گروه های شیدا و عارف و ساخت تصنیف جانانه و جاودانه ی "مرا عاشق"(ضربی لنگ)با صدای شهرام ناظری و کمی آن سوتر ساخت ملودی پرهیمنه ی "پیروزی" در دستگاه چهارگاه و نیز تصنیف ملی- میهنی "همراه شو عزیز" نوید و نغمه ی آفرینشگری شایسته را در پهن دشت موسیقی ایران می داد.با گذشت زمان و در دهه ی شصت،مشکاتیان روزهای پرکار و پرشوری را پشت یرمی گذارد.او می خواند و می سازد و می شکافد و کشف و خلق می کند. ملودی ها و آثاری که شناخت زوایا و ظرفیت های شعر و موسیقی ایران را امروزه وامدار خود نموده است.نگاهی دوباره به اساس زیباشناختی موسیقی ایران و چیستی و چگونگی نغمات و پیوند شان با کلام بی شک امروزه می بایست از نگاه و نگره ی پرویز مشکاتیان واخوانی شود تا هنرمند موسیقی ملی ایران به ارزش های موسیقایی ردیف چه در زمینه ی نوازندگی و چه در زمینه اصول آهنگسازی پی ببرد و در آنالیز هنرمندانه ی آن چه می نوازد(سنتور) و یا آن چه می سازد به نکات شایان توجهی در رسد و غربال و صیقل تصنیف و نوازندگی را با سنجه ی مشکاتیان بسنجد و رها در سرای شعر و و ادی نت ها به واقعیت موضوع دست یازد.

شنیدن آفرینه های موسیقایی پرویز مشکاتیان از جمله:آستان جانان،بیداد،دستان،ماهور(سه تار استاد مشکاتیان به همراهی نی استاد محمدموسوی و آواز استاد شجریان)،نوا(مرکب خوانی)،افشاری(مرکب خوانی)،دودعود،گنبد مینا،جان عشاق،قاصدک،افق مهر،وطن من،مقام صبر،کنج صبوری و اجراهای دیگر وی از قبیل:دونوازی سنتور و تمبک (به همراه زنده یاد استاد ناصرفرهنگ فر)در موسسه فرهنگی هنری سفارت ایتالیا،لحظه ی دیدار(که در این اثر بداهه نوازی بدان معنا و مفهوم که مشکاتیان از هنر بداهه برداشت نموده بود و قابلیت های بداهه نوازی را بسط و گسترش داده بود کار دنبال می شود و خود استاد هم که در این کار شعر لحظه ی دیدار زنده یاد م. امید را می خواند)،تمنا(به همراهی تمبک آیین مشکاتیان،پسر جاودان یاد پرویز مشکاتیان که دیگربار بداهه نوازی سنتور از مضراب های مشکاتیان شنیده می شود و دکلمه ی شعری از ملک الشعرا بهار هم توسط جاودان یاد مشکاتیان اجرا می شود.)و...سایر آثار استاد مشکاتیان همه و همه ضرورتی اجتناب ناپذیر و واقعیتی انکارناپذیر است تا مگر هر اهل ساز و آوازی با دقایق موسیقی ملی ایران بیش از پیش آشنا شود.

از جمله نکات شایان گفت دیگر پروسه ی هنری مشکاتیان آوانگاری و نت نگاری آثار ایشان است که بعد از مجموعه ی بیست قطعه (برای سنتور)،یکی پس از دیگری به کوشش هنرمند ارجمند علیرضا جواهری و با نظارت استاد به چاپ رسیدند که هر کدام از این آثار در افزایش توان تکنیکی نوازندگان سنتور نقش به سزایی داشته اند.کتاب هایی چون:بیست قطعه،گل آیین،بیداد،دستور سنتور،مجموعه تصانیف مشکاتیان و ... هر یک در نگاه و مضراب نوازندگان ساز سنتور، تاثیری به سزا و ویژه داشته اند.

آن چه در خصوص کار هنری استاد پرویز مشکاتیان همگان را به خود شیفته می نمود قدرت گروه نوازی ممتاز و فوق العاده ای بود که معنای رنگ آمیزی در کار ارکستر موسیقی ایرانی را جلوه ی تازه ای می داد و رهبری و سرپرستی گروه عارف را در آثاری چون دستان(خلق فضای چند صدایی در گروه نوازی موسیقی ایران)،بیداد(خلق ملودی های بی بدیل و برگرفته از موتیف های ردیف دستگاهی مثلا بسط و گسترش گوشه ی باوی در دستگاه همایون و به کارگیری آن در قطعه ی بیداد و تغییرات پی در پی ریتم)، وطن من (کار با ارکستر بزرگ با به کارگیری سازهای زهی کششی و خلق فضای موسیقایی نو و تازه در اجرای مثلا چهارمضراب مخالف و یا تصانیف همان اثر) کاری سترگ و دشوار می نماید!

نگارنده که خود افتخار حضور در یکی از کنسرت های عارف را در سال ۷۹ در شهر اراک داشته و از نزدیک شاهد هنرنمایی استاد در به کارگیری و هماهنگی اعضا جوانسال گروه عارف بوده و به راستی که دیدن و شنیدن روریاروی ساز مشکاتیان در چند قدمی وی موهبت و مباهاتی است بی پایان... به هر روی مرگ مشکاتیان، بیش از آن که غمی جانکاه و فراقی عظیم بوده باشد،به باور این قلم فاجعه ای است جبران ناپذیر تا فلسفه ی هستی و منطق زیستن دیگربار شرمسار واقعیت ناگزیر خود شوند و داغی هماره بر صحن سنتور نهاده شود...



برای درگذشت پرویز مشکاتیان

محمد کاظمی - بندر دیّر

سپهر برشده پرویزنیست خون افشان / که ریزه اش سرکسری و تاج پرویز است (حافظ)

نه، مرگ هیچ گاه رعایت نمی کند. هیچ گاه فکر نمی کند. ناگهان می آید و آن را که نشان کرده است با خود می برد. اما این پرسش به امتداد روزگار در ذهن و ضمیرت سر بر می آورد که آیا نوبت رفتن او بود؟ باور نمی کنی که رفته است، باور نمی کنی چون هنوز هم در انتظار آن همکاری مشترک مانده ای، هنوز هم امیدواری که آن دو سر آمد آواز و موسیقی کاری مشترک را عرضه کنند و تو باز هم بخوانی و بشنوی ترانه و آواز محمدرضا شجریان، آهنگساز پرویز مشکاتیان. چه قدر در انتظار ماندی وقتی که خواندی مشکاتیان به کنسرت محمدرضا شجریان رفت و در همان کنسرت بود که نشریات نوشتند "احتمال همکاری دوباره ی شجریان و مشکاتیان". به یاد آوردی که جمال عبدالناصر وقتی که دید ام کلثوم و محمد عبدالوهاب کاری مشترک ارائه نمی دهند آن ها را به حضور خود فراخواند و گفت شما چرا با هم دیگر کار نمی کنید؟ و آن دو در همان جلسه قول دادند که کاری مشترک ارائه دهند. حاصل این همراهی "انت عمری" است که یکی از شاهکارهای موسیقی عربی است. آیا کسی نبود که در طی این همه سال این دو را به همکاری و هم آوایی فرا بخواند تا باز هم کارهایی چون بیداد، ماهور، دستان، آستان جانان، مرکب خوانی و ... خلق شود؟ مگر هر کدام از این آثار جز شاهکارهای بی بدیل موسیقی ما نیستند و از بالندگی این موسیقی سخن نمی گویند؟

نه، باور نمی کنی چون حضور او را در موسیقی ایرانی مجسم می بینی. اگرچه در این سال ها کار تازه ای را از او نشنیده ای حتی آخرین اجراهایش با ناظری و نوربخش. وقتی که از شجریان جدا شد و ایرج بسطامی را در زلزله ای دهشتناک از دست داد دیگر نخواندی کنسرت پرویز مشکاتیان در اروپا و امریکا. هیچ مرکز خبری ننوشت که مشکاتیان خود را برای یک تور فرهنگی و هنری آماده می کند تا حیرت زده شوی مثل آن بار که از کنسرت لندنش حیرت زده شدی وقتی که آن خواننده ی نام آشنا گفت:" من شش سال است که از ایران دورم ولی همین شش شب زنده بوده ام که بسطامی و مشکاتیان در این جا برنامه داشته اند."

باور نمی کنی که پرویز رفته است چرا که همیشه او را و آهنگ های او را با خود داشته ای و به اعتبار کار او و نوآوری های او بوده که گفته ای نه، موسیقی ایرانی تکرار صرف نیست، دست هایی پرتوان هم هستند که می توانند از دل همین سنت که به روزگار ما رسیده فراروی کنند و مهر و نشان روزگار خاص خود را داشته باشند. همیشه دو نام در موسیقی برایت اعجاب برانگیز بوده حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان. دو نام بلندآوازه که هیچ خواننده ای نمی تواند صدای ساز و آهنگشان را از یادها ببرد و به اعتبار آن ها و آهنگ های آن هاست که می توانی بگویی خواننده محوری رنگ می بازد چون آهنگ چنان تشخصی دارد که حتی شنونده ای که از راز و رمز موسیقی و آهنگ چیزی نمی داند به گونه ای حسی در متن آن حضور یابد. نه، تنها یک نه نمی توانست مرگ را از آن قطعیت محض باز دارد تا دست های درازش را کوتاه کند و باز هم فرصتی دهد تا پرویز به گروه عارف انسجامی دهد تا صدای شکوهمند دیگری به موسیقی ایران معرفی شود. صدایی چون صدای بسطامی، علی جهاندار و حمید نوربخش.

هنوز هم می گویم نه فروغ حافظه ام را به سخن گویی وا می دارد: " همیشه پیش از آن که فکر کنی اتفاق می افتد/ باید برای روزنامه ها تسلیتی فرستاد"

چاووش، ابتهاج، شجریان، لطفی، علیزاده، مشکاتیان

همراه شو عزیز

حسام حق پرست

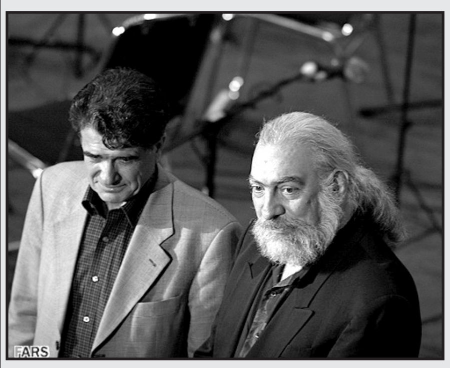


انبوه این همه گفتار و نوشتار، عکس و فریاد در بلای هجران است که راه افتاده بی شک! و هر عزیزی همراه شده حالا تا دردی مشترک را فریاد کند که امروز پرویز مشکاتیان آوای کوچ را سر داده و سرپرست عارف نگاه پر از عشق به سرزمینش با همه ی سوز و گدازهای مردمانش را این بار به سوی عارف نیشابور در کشاند تا جان و راز جاودانگی اش را در جاودانه ای دیگر که عطار است در آمیزد!

سخن از ساز، آهنگ سازی ، گروه نوازی و توانمندی والا و منحصر به فرد پرویز مشکاتیان را هر آن که دستی بر ساز و گلویی در آواز و پایی در این وادی دارد به جان و جد و سینه اش پر از بریده های دغدغه است نشانه هایی ست تا نشان فاجعه ای بس گران و حجمی گسترده را جار زند و چه زجری دارد این ضجه های پی در پی!

حال و روز همگان را اگر از بزرگان این قوم (ساز و آواز) که دیری ست جفایی بر آن رفته که مپرس! بنگریم و بشنویم و بخوانیم جان جانان کلام همین است که: مرگ چنین خواجه نه کاری ست خرد!

نهاده ای که یارانش دل در جان جانان ،چاووش نهادند و سایه ای از سایه ی مهربان ایران زمین (ابتهاج) بر خویش گستراندند و دستان ساز نغمه ی ایران مهین را برای توده ها ی زمانه ای پر بلا ! ندا داد تا ننگ و خواری روزگار زندگی



شان را نخواهند و بیندیشند و بنگرند و بگویند: مرگ به تا چنین زندگانی!

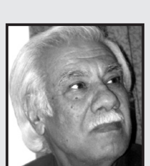
پیام اندوه استاد یگانه مان حسن کسایی، احساس و حال شجریان، غمگنانه ها و اشک های حسین علیزاده، اعتراض محمدرضا درویشی برای مرگ هنرمند، بغض قاصدک خوانی همایون شجریان، تلخ مزه های بهنود و ...و باز همراهی دلهای عاشق مردمان اهل درد ،هم نوایی جمع یاران سالهای نه چندان دور که ساز و آوازشان زخمه ای را غیر از آنها ننواخت و آوازی جز برای آنها نخواند یادآوردی شد تا تاثیرگذاری و توانایی چاووش را در دورانی پر تب و تاب در جریان انقلاب ۵۷ پیوند خورده و آمیخته با هنری متعد و اجتماعی را برای تعالی تبار انسان دوباره طلب کند و بخواهد آن چه را مایه و پایه ی حضوری ست آگاهانه وانسانمند!

جدای از ثمره ی فراوانی که مشکاتیان برای آموزش و سازندگی نسلی دیگر از خود به جای گذارد و به گفته ی کیوان ساکت درختان برومندی در موسیقی ایران پرورش داد، همان هستی همیشگی اش که نگاه و تحریر آفرینه هایش همراه با لایه ها و خیزش اجتماعی این آب و خاک بود همواره رهایش نکرد و برای آن نواخت و سرود:همراه شو عزیز!

در سوگ استاد شریفیان

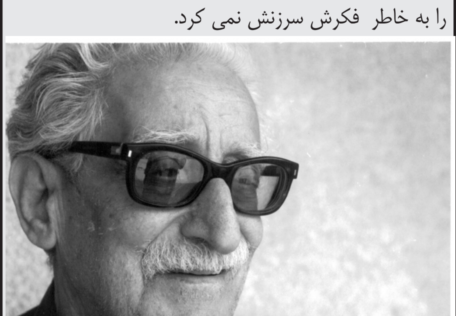
در چهلمین روز سوگ بزرگ مرد جهان ادب زنده یاد عبدالحسین شریفیان

عبدالمجید زنگوئی



عبدالحسین شریفیان مترجم بزرگ و نام آور کشورمان در پایان مرداد سال ۱۳۸۸ در تهران چشم از جهان فرو بست و دوستان را در غمی جانکاه فرو برد. عبدالحسین شریفیان فرزند زنده یاد حاج غلامعلی در سال ۱۳۰۵ در بوشهر زاده شد. تحصیلات ابتدایی و دوره دبیرستان را در بوشهر و دوره دوم دبیرستان را در شیراز گذراند. وی در کار ترجمه بسیار پرکار و پرتلاش بود و بیش از ۷۰ ترجمه و تألیف آن هم از نویسندگان بزرگ جهان از خود باقی گذاشته است.

شریفیان انسانی بود آزاده، متواضع و آگاه و از مترجمان و اسطوره شناسان معروف چندین کتاب در زمینه اسطوره های ملل تألیف و ترجمه کرده است و معتقد بود که اسطوره ها در اندیشه ها و شکل گیری افکار مذهبی ملل تأثیر بسزایی دارد در هیچ زمینه ای تعصب و خشک اندیشی نداشت و هیچ کس را به خاطر فکرش سرزنش نمی کرد.



استاد شریفیان بی تردید یکی از چهره های ماندگار و پر کار در ادبیات ایران است که نامش جاودانه خواهد ماند.

اگر چه این یادداشت کوچک مجالی نمی دهد که پیرامون آثار و ترجمه های وی قلم زد ولی بد نیست که بعضی از ترجمه های او را نام ببرم.

۱- سیری در اساطیر یونان و روم، ادیت همیلتون
۲- اساطیر جهان در ۲ جلد ، دوناروزلبرگ
۳- سقوط جمهوری سوم، ویلیام شایر
۴- لیدی چهاردهم، ویل دورانت
۵- دائره المعارف آکسفورد، در دو جلد
۶- خوشه های خشم، اشتاین بک
۷- دوست مشترک ما در ۲ جلد، چارلزدیکنز
۸- پایبندهای انسانی
۹- دیروز و امروز، مارت درآم . و ده ها اثر باارزش دیگر

اینجانب چهلمین روز این مرگ بزرگ را به بازماندگان آن بزرگ مرد، به دوستداران فرهنگ و ادب، خانواده های فروزانی، دریا بندری و دیگر دوستانش را تسلیت گفته موفقیت آنان را در فراز و نشیب زندگی آرزومندم.

روانش شاد و یادش گرامی باد.

نسیم جنوب ۵

اجتماعی

شماره ۵۶۳ یک شنبه ۵ مهر ماه ۱۳۸۸

NASIM JANOUB

چهار کاندیدای مطرح شهرداری بوشهر

گرچه ماههاست که سخن از استعفای شهردار بوشهر به گوش می رسید و حتا گفته می شود که وی خود در جلسه با شورای شهر اعلام نموده بود که تا پایان سال ۸۷ در شهرداری خواهد ماند اما گویا اراده ای برای پذیرفتن این مسئله در شورا وجود نداشته و یا به نوعی ممکن است آن را بولف مدیریتی از سوی رجایی فرض می نموده اند. در هر صورت رجایی استعفای خود را از شهرداری بوشهر اعلام نمود و از قرار معلوم دیگر تمایلی به ادامه کار در شهرداری بوشهر ندارد و شورا به ناگزیر باید به فکر انتخاب شهرداری جدید برای شهر بوشهر باشد. در این شرایط به نظر میرسد که زمان برای طی مراحل پیچیده کشف و شناسایی و بررسی برنامه های افراد متخصص برای شهرداری فراهم نبوده و از طرفی با تجربه دو ساله اعضای شورای شهر بوشهر، قبل از برنامه این افراد باشند که مورد ارزیابی قرار بگیرند. همچنین از آنجا که در انتخاب شهردار توسط شورای شهر در ... ماه قبل مشخص گردید که برنامه کاندیداها، در الویت های بعدی در این انتخاب قرار دارد، بهتر است که شورای شهر با ویژگی هائی که در شورا وجود دارد، وقت را هدر نداده و هر چه سریعتر با بررسی سوابق افراد کاندیدا، اقدام به انتخاب شهردار نماید.

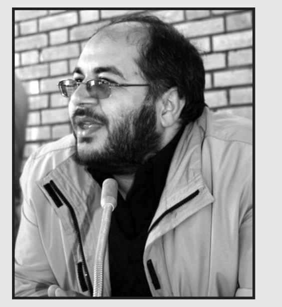
در حال حاضر از چهار نفر به عنوان کاندیداهای اصلی شهرداری بوشهر نام برده می شود:

مسعود شکوهی



در اولین جلسه شورای شهر که به طور جدی استعفای شهردار آشکار گردید، تعدادی از اعضای شورا بلافاصله اعلام نمودند که می توان از یکی از اعضای شورا به عنوان شهردار استفاده نمود و نام شکوهی بر زبان چند تن از آنان جاری گردید. دفاع از این پیشنهاد به قدری جدی بود که اگر در همان جلسه رای گیری به عمل می آمد، بدون شک شکوهی به عنوان شهردار جدید بوشهر انتخاب می گردید. حضور دو ساله شکوهی در شورای شهر و آشنایی وی با مسایل و مشکلات شهرداری و همچنین سابقه موفقیت آمیز مدیریتی وی در آموزش و پرورش استان، این گمانه را در نزد موافقان وی ایجاد نموده که وی می تواند با قاطعیت و در تعامل با شورا، بر مشکلات شهرداری بوشهر فایق آمده و شهرداری موفق باشد.

سیامک احمدی



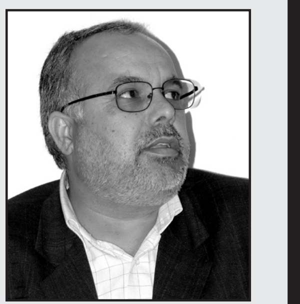
گرچه نام شکوهی آشکارا برای کاندیدای شهرداری به میان آمد، اما یکی دیگر از اعضای شورا که به نظر می رسد برای رسیدن به این منصب تمایل زیادی داشته باشد، سیامک احمدی است. وی گرچه در طیف اقلیت اصولگرای شورا حضور دارد، اما در انتخابات ریاست کمیسیون عمران این شورا، توانست با رای تعیین کننده ماحوزی (منتصب به طیف اصلاح طلب شورا)، پوربهی را کنار زده و ریاست کمیسیون عمران شورای شهر بوشهر را بدست آورد. در سایه حمایت اصولگرایان از وی، احمدی به ریاست منطقه ویژه اقتصادی بوشهر نیز رسید و حتا توانست مدیرعاملی باشگاه ایرانجوان را هم با حمایت سرهنگ پورکبگانی (فرماندار بوشهر) بدست آورد. نزدیکی وی به اصولگرایان که هم اکنون در قدرتند، می تواند وی را به عنوان کاندیدای اصلی آنها برای شهرداری بوشهر تبدیل نماید.

پرویز سرخوش



یکی از کسانی که دور قبل نیز کاندیدای شهرداری بوشهر بود، اما انصراف داد، پرویز سرخوش است. سابقه طولانی مدت وی در مدیریت آب و فاضلاب استان، شناخت خوب وی از مسایل و مشکلات شهر بوشهر و تعامل قوی که می تواند با سطوح مختلف دولتی و مردمی ایجاد نماید، از جمله نقاط قوتی است که توسط حامیان وی برای تصاحب پست شهرداری بوشهر اعلام می گردد. گرچه وی مدتی است که از پست های دولتی فاصله گرفته است اما همواره به عنوان یکی از نیروهای بوشهری توانمند برای مدیریت های گوناگون مطرح بوده، بطوری که زمانی کاندیدای معاونت عمرانی استانداری بوشهر هم بود. حامیانش قدرت چانه زنی وی برای گرفتن امکانات، تعامل با شورا و گروههای اجتماعی و جا افتادگی مدیریتی وی را از جمله نکات مثبت او می دانند.

غلامرضا کشتکار



یکی از کسانی که این روزها نامش برای شهرداری بوشهر مطرح است، غلامرضا کشتکار است. وی از فرماندهان سپاه در بوشهر بود که در دولت نهم به فرمانداری شهرستان پرحاشیه دشتستان منصوب گردید و در طی فرمانداری خود، توانست تا حدود زیادی این شهرستان را به سوی ثبات ببرد. در فرمانداری دشتستان مورد غضب عطارزاده نماینده افراطی اصولگرایان قرار گرفت بطوری که علیرغم کارنامه موفقیت آمیز در فرمانداری دشتستان، ناچار به ترک این شهرستان گردید و به سوی استانداری بوشهر رهسپار شد و در مدیریت دفتر بازسازی و حوادث غیر مترقبه استانداری بوشهر مشغول به کار گردید. حامیان کشتکار از وی به عنوان مدیری ریسک پذیر و قاطع که می تواند وضعیت نابسامان شهرداری بوشهر را سر و سامانی دهد، یاد می کنند.

کیک اوباما و ما

محمود دهقانی – استرالیا



اگر صحبت های یازده دقیقه ای اسامه بن لادن در مورد اوباما و دلواپسی او که شاید مثل برادران کندی بدست راست گرایان افراطی، ترور شود، حقیقت داشته باشد، پیداست که در پس پرده سیاست امریکا یک چرخش سیاسی و معاملاتی در حال انجام است. پس از روی کار آمدن بارک اوباما راه های جدیدی پدیدار شده است که یک نمونه آن پخش خبر فروش بیست فروند هواپیمای مسافربری به جای قسمتی از ثروت های بلوکه شده ما در امریکاست. برای من این موضوع یادآور کیک آشتی ریگان در دوران گذشته است. ولی واقعیت این است که در تصمیمات استراتژی امنیت ملی آمریکا نیز برای نخستین بار چیزهائی سر برون آورده است که تفاوت های معناداری با استراتژی امنیت ملی دوره ی چرج بوش دارد. پیداست ناصحان سیاسی و دولتمردان امریکائی و بویژه دمکرات ها در نظر دارند دموکراسی سازی جهان را به دوری گزیدن با حمله نظامی به کشورهای دیگر معنا بخشند.

در تصمیمات امنیتی جدید امریکا که خلاصه ای از آن تاکنون اعلام شده است از عبارت های نظامی و حمله پرهیز شده است. ولی واژه های حمایت از عملیات نظامی در عراق و افغانستان پر آب و تاب تر در رسانه های گروهی امریکا و وابسته به امریکا رخ نموده است. از نظر دولت جدید آمریکا با حمله نظامی نمی توان دموکراسی را در کشورهای دیگر برقرار کرد. این واقعیت



شاید در پی سقوط بیش از حد ارزش دلار امریکاست که دیدگاه وزرای تازه نفس اوباما را به مسیر جدیدتری کشانده است. در گزارش های جدید کمتر از واژه های شکست تروریسم و جنگ با تروریسم سخن به میان می آید. اگر گزارشات تازه با گزارشات سال ۲۰۰۵ اداره اطلاعات ملی امریکا، در دوره ی جرج بوش رئیس جمهور پیشین امریکا مقایسه شود می شود به آسانی شاهد این تغییرات استراتژی امریکائی ها بود. امریکائیان به تلخی دریافته اند که رفتار نظامی خشونت بار گذشته لطمات جبران ناپزیری بر پیکر حیثیت، اعتبار و اقتصاد امریکا زده است. یکی از نشانه های این چرخش سیاسی در سخنان دنیس بلر رییس اداره اطلاعات ملی آمریکا، این روزها کاملا آشکار شده است. از این واقعیت نیز نمی شود غافل بود که در پیش روی ایران بیش از مشکلات خود با امریکا، تضاد و خصومت های منطقه ای سر برون خواهد آورد.

اول مهر، از گذشته تا حال

ناصر علیخواه



وظیفه نظامِ انسان سازِ آموزش و پرورش بسیار سنگین و در عین حال ارزشمند ولی در عملکرد کُند و نارساست و مشکل آن بخش توسعه فرهنگی است و کمتر نگاه کردن به مقاطع مختلف بخصوص مقطع تحصیلی ابتدایی که این آفرینش های خداوندی، موجودی کم سن و سال و بی اطلاع از همه شئونات اجتماعی، در کارگاه انسانی در آینده، همه نگاه ها به آنان ختم می شود و باید بیشتر به آنها پرداخت.

حضور آموزش و پرورش در فضای گسترده کشورمان ایران از پرتو تلاش و علاقه مندی شخصی آگاه به مسائلِ درونی بچه ها عالم و آگاه «رُشدیه» بود که در گذشته نسبتاً دور پس از مسافرت و مهاجرت به اقصی نقاط در زمینه توسعه و پیشرفت تحصیل اطلاعات کامل و جامعی همراه با کتب ها و نظم نسق کامل با کشور برگشت و تحصیل را از گوشه و کنار در منازل که به صورت ناقص انجام می گرفت، با حالت فعلی نظم بخشید و در زمان ناصرالدین شاه قاجار سنگ بنای آغازین مدرسه را در ایران گذاشت و از آنجا که همواره تنگ نظران پشت درهای بسته، کمین نشسته اند نسبت به این بزرگوار تهمت هایی نسبت دادند ولی با تلاش و پشتکار مثال زدنی اش بکارش ادامه داد که در نتیجه ثمره ایشان امروز سراسر کشور از نعمت دانش برخوردارند.

در گذشته، روز اول بازگشایی مدارس در کشور یکی از پر استرس ترین روز برای بچه ها در مقطع ابتدایی بوده است. خوب حق هم همین بود در سه دهه قبل، امکانات آموزشی بچه هایی که ورودی کلاس اول را تشکیل می دادند، فاقد هر گونه زمینه های آموزشی بودند. نبود کلاس های پیش دبستانی، رسانه ها بویژه تصویری، فضای نامناسب آموزشگاه اتاق های بی در و پیکر آن روز، نبود روشنایی در اکثر روستاها و بخش ها و ... و بسیار عوامل دیگر که در آگاهی کودک موثر و عامل آگاهی و دانایی است و بسیار نارسایی های دیگر و صرف نظر از جامعه شهری، در جامعه روستایی ما کمتر آموزشگاه وجود داشت. روز اول مهر ماه که مصادف بود با بازگشایی مدارس در همه مقاطع در دو نوبت صبح و عصر در هفته که برنامه ریزی شده بود آنهم به علت کمبود فضای آموزشی در سطح کشور که بیشتر ساختمانهای آموزشی اجاره ای بودند. بنابراین روز اول مهرماه که پدر یا مادر و گاهی هر دو، دست بچه شان را گرفته بودند و روانه مدرسه می شدند خدمتگزار آموزشگاه نیم ساعت قبل از تقسیم بندی در حیاط مدرسه را باز می کرد و اولیا با فرزندانشان وارد فضای آموزشگاه می شدند. آنهم با چه وضعیتی سر و صدای گریه بچه ها بیداد می کرد و از آمدن و ماندن در مدرسه واهمه داشتند. والدین نیز که از صدای ضجه بچه های کلاس اولی خسته شده بودند گاهاً فرزندان خود را به زور و تهدید نگه می داشتند. در این هیاهو مدیر و ناظم و معلمین و خدمتگزار همکاری می کردند. بچه ها با شیرینی و شکلات پذیرایی می شدند و مدیر به کمک رادیوی بدون بلندگو، سرود "ای ایران" را پخش می کرد تا شاید بچه ها کمی تغییر حالت دهند و به کلاس بروند. البته روش آنان تا اندازه ای نیز کارساز بود و فرصت می داد تا بچه ها با محیط جدید و معلمین خود قدری آشنایی بیشتر پیدا کنند.از صبح اول مهر ماه که برنامه کلاس بندی انجام می گرفت تا ساعت نزدیک تعطیلی مدرسه، نارضایتی بچه ها از محیط مدرسه در کلاس کمتر می شد. اولیای کلاس اولی ها که در حاشیه دیوار مدرسه ایستاده بودند مشاهده می کردند که بچه ها از کلاس بدون حرف و حدیثی به بیرون می زنند و یکسره می رفتند کنار والدینشان و بهانه می گرفتند. سرانجام کلاس بندی صورت می گرفت، بچه ها به صورت دسته جمعی به کلاس های مربوطه خود می رفتند و نزدیک ساعت تعطیلی، "زنگ آزادی" رفتن به خانه به صدا در می آمد و بچه ها بدو خود را به درِ حیاط مدرسه نزدیک تر می کردند و یکراست در کنار والدین خَود قرار می گرفتند.

یاد آن روزهای بدون امکانات که بچه ها گرچه در آغاز، ترس مدرسه رفتن داشتند ولی در عین حال درس خود را تمام و کمال بانجام می رساندند و بعد وارد زندگی اجتماعی می شدند به خیر و صد حسرت که با این امکانات بچه ها کمترین توجهی به گذشت زمان ندارند.

ان شاء الله با کارشناسی بیشتر این معضل اجتماعی جامعه مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. به امید آن روز...

خاطره ای شیرین از دانش آموز گذشته، معلم امروز

حمیده ماحوزی: زندگی معلم، سراسر خاطره است چون با دانش آموز، علم و کل جامعه درگیر است و هر روز مطالب جدیدی وارد زندگی اش می شود که همه برای او به عنوان خاطره به یادگار می ماند.

سال ۷۷ مدیر دبیرستان بزرگسالان فدک بودم؛ دبیرستانی که در دبستان صبا مستقر بود در حالی که کلاسهای دبیرستان فدک بعدازظهرها در مدرسه صبا تشکیل می شد. یکی از روزها قبل از اینکه کلاس شروع شود در دفتر مدرسه به اتفاق خانم عبدویی مدیر دبستان صبا حضور داشتم، لحظه ای بعد صدای آشنایی به گوشم رسید و به خانم عبدویی گفتم که من این صدا را می شناسم و او نیز تایید کرد. صدای آشنا، صدای خانم رباب قائدی معلم کلاس پنجم دبستان صبا و معلم کلاس پنجم من بود که بعد از گذشت ۳۰ سال همچنان برایم آشنا بود. احساس کردم تمام خوبیهای دنیا را به من داده اند و این احساس خیلی خوبی بود. من افتخار می کنم که چنین معلمی داشتم و هر سال روز معلم را به او تبریک می گویم. این موضوع برایم ثابت شد که اگر معلمی خوب کار کند و در دل بچه ها جا داشته باشد سالهای سال در فکر و ذهن دانش آموزان نقش می بندد و هیچ وقت از یاد دانش آموزان محو نخواهد شد.



نیکان بوشهری

معلمی خود ساخته

نجف آهوچهر

اوایل پیروزی انقلاب مأموریت یافتم تا در دبیرستان سعادت خدمت کنم با میل و رغبت و عشق به آن دبیرستان محترم که هویت ما بوشهریها را می رساند و همه به آن احترام خاص قائل هستیم و سال ۸۷ یکصد و دهمین سالگرد تأسیس آن را جشن گرفتند و من نیز افتخار داشتم که بعنوان یکی از دانش آموزان و دبیران و مدیران آن دبیرستان حضور داشته باشم و لذت بردم و خاطره ای هم از دوران دانش آموزی تعریف کردم، مهر ماه سال ۵۸ بعنوان دبیر وارد دبیرستان سعادت شدم، چه افتخاری، قبل از ورود درب قدیمی آن را بوسیدم و با نام خدا وارد شدم. دانش آموزان قد و نیم قد در حیاط پراکنده بودند و سر و صدای شاد و چهره های خندان آنان مرا به دنیای نوجوانی و دانش آموزی خودم در سالهای ۱۳۳۹ به بعد برد. دقیقه ای ایستادم و جای جای دبیرستانی که سال ها در آن درس خوانده بودم نگریستم و خاطراتی چند از همکلاسان و دبیران زمان خودم را از نظر گذراندم. چه روزگار خوشی بود دوران تحصیل که کمتر قدر آن را دانستم، محو خاطرات بودم که زنگ شروع کلاس نواخته شد، بطرف دفتر دبیرستان رهسپار شدم و ابلاغ تدریس خود را به آقای مدیر تسلیم نمودم. خوش آمدی گفت و بعد از لحظاتی برنامه تدریس را به دستم دادند، کلاسهای دوم ریاضی و تجربی و دوم تا چهارم رشته های اقتصاد و فرهنگ و ادب را باید تدریس می کردم، برنامه را گرفته با راهنمائی مدیر که کلاسها را نشانم می داد شروع دلپذیری را آغاز کردم، بچه ها بسیار صمیمی و انقلابی و پرشور بودند، محبت و شور و شوق خدمت از تمام حرکات آنان مشهود بود و تمام پرسش ها و صحبت ها از چگونگی پیرزوی انقلاب و درگیریها با عوامل نظام گذشته و رویدادهای تلخ و شیرین بود و از خود گذشتگی ها و ایثار پدران و مادران و همسایگان و سایر افرادی بود که انقلاب را به پیروزی رسانیده بودند. در بین دانش آموزان پسری شاد و خرم با چهره ای مهربان و دوست داشتنی و بسیار صمیمی و باایمان و درس خوان بود که از همان اول مودت و دوستی و انسانیت از چهره اش نمایان بود. بسیار کنجکاو و مشتاق یادگیری و در همه امور حضوری فعال داشت و با خلوص نیت کارهایی را که به او سپرده می شد انجام می داد. با وصف این که هفته ای دو ساعت با آنان کلاس داشتم ولی همین زمان کم چنان صمیمیتی بین من و او به وجودآورد که خدا می داند و بس. در محیط دبیرستان با هر بهانه ای خودش را به من می رساند و پس از سلام و احوال پرسی مطلبی را بازگو می کرد و جوابی می شنید. رابطه ی دوستانه ی او نه تنها با من بلکه با سایر همکلاسی ها و دبیران نیز بر همین پایه استوار بود، چهره اش خندان و نیتش خیر بود و هیچگاه حاضر نبود زبان و قلم و قدمش علیه کسی بکار گیرد. سعی می کرد به هر طریق مشکلات افراد را برطرف کند و به کسی ظلمی روا ندارد. این روند انسانیت همین طور ادامه داشت و دارد. بعدها که به کسوت معلمی راغب شد و دوره ی مقدماتی را گذرانید و به جرگه ی معلمان درآمد و پختگی بیشتری یافت، راه و روش و منش و شخصیت او تجلی بیشتری یافت و آن چنان افتادگی و اخلاق پسندیده یافت که بی بدیل شد در این دوران انحطاط خوبی ها. عقیده من این است که باید به او بگویم آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری، زمانی که ابلاغ مدیریت دبیرستان سعادت را بمن دادند او نیز مأموریت یافت که درس معارف اسلامی را در آن دبیرستان بعهده بگیرد.

وقتی که ابلاغش را بمن داد چون خیلی دوستش داشتم و دارم اسم کوچکش را صدا کردم و گفتم، حسین بهتر است سالهای آخر دبیرستان را تدریس کنی چون هم بضاعت علمی خوبی داری و هم کلاسداریت خوب است. بلافاصله قبول کرد و چون مرد عمل بود چه خوب درخشید. روزی با خوشحالی بطرفم آمد و گفت، آقا کارشناسی قبول شده ام بنظرت ادامه دهم؟ درآغوش گرفتمش و پیشانیش را بوسیدم و گفتم خوشحالم از این خبر حتماً ادامه بده چون هنوز جوانی و استعداد پیشرفت داری. سالها بعد گفت کارشناسی ارشد ثبت نام کرده ام خوشحال تر شدم و مطمئن هستم هر کاری را که شروع کند با دقت و وسواس انجام می دهد. نستوه و خستگی ناپذیر است و صبر و شکیبائی او مثال زدنی است، با ذوق و نوآور است در انجام امور نهایت سعی و دقت دارد و علاقمند به رفع مشکلات و گرفتاریها، به درد دل مراجعین با حوصله گوش فرا می دهد و تا آن جا که بتواند طرفهای مراجعه کننده را راضی بر می گرداند. زمانیکه ریاست دبیرستان دانشگاه را بر عهده داشت از او خواهش کردم درس معارف اسلامی دوره پیش دانشگاهی دبیرستان دهخدا را قبول کند. با همه ی مشغله ای که داشت قبول کرد، با نظم خاص سالها ادامه داد و محبت کرد. سروقت حاضر می شد و تا پایان ساعت کارش را ادامه می داد، دانش آموزان از نحوه تدریسش راضی بودند و کلاس را با مهارت و استادی خاص اداره می کرد. گاهی اتفاق نیفتاد که از درس دادنش گله ای بشود. در طرح سئوال و تصحیح اوراق وسواس فوق العاده داشت و همه این موارد فقط بخاطر عشق و علاقه و ایمانی است که به کارش دارد و هم چنین ایمان به خدا و خلوص نیت. دو سال پیش در حیاط اداره آموزش و پرورش شهرستان که برای انجام کاری رفته بودم بطرفم آمد مثل همیشه با خوش روئی سلام و احوالپرسی کرد و گفت آقا عباس (منظورش آقای عباس منعمی رئیس اداره شهرستان بوشهر بود) به مدیریت اداره انتخاب شده و بمن پیشنهاد معاونت کرده بنظرت قبول کنم؟ جواب دادم: «بسیار پیشنهاد خوب و بموقعی است اولاً دوستت این مسئولیت را قبول کرده و باید کمکش کنی، ثانیاً شما تا بحال هر کاری را تقبل کرده ای با نهایت دقت و پشتکار انجام داده ای پس بهتر است به کمک او بروی و کارها را سروسامان بدهی.»

در حال حاضر وجود نازنین آقای حسین رنجبر بعنوان معاونت آموزش و نوآوری اداره، ستون محکمی است که در مراجعه کننده اطمینان خاطر بوجود می آورد و اداره را با حسن مدیریت می چرخاند. این معلم خود ساخته مورد تائید همه همکاران فرهنگی بوده و هست، دلی پاک و نیتی خیر و اراده ای خلل ناپذیر دارد، گشاده روئی، صبر و حوصله و سعه صدر از ویژگیهای بارز و صفت مشخصه ی وجود شریفش می باشد. در یکی از جلسه گردهمائی مدیران سه مقطع که در سالن شهید باهنر برگزار شده بود گله مند عدم همکاری بموقع بعضی از همکاران بود و درباره آنان دعای خیر داشت تا موقعیت خود را درک کنند و حق مطلب را بجای آورند. او نه اینکه خود کاری را نیمه کاره نمی گذارد و تا رسیدن به انجام از پای نمی نشیند، انتظار دارد همگان بر این سیاق باشند. گرچه اهل قرآن است و می داند خداوند تبارک و تعالی فرموده انسان به نفس خود ظلوم است و جهول، ولی رنجبر در پی سعادت افراد است و نیک نامی آنان. باید در این دنیای وانفسا قدر او را دانست و کمر همت بست و از پای ننشست چرا که قیمت انسان به تلاش اوست.

خاطره ای از اول مهرماه ۱۳۳۹ بندر دیلم

داریوش پوربهی: پدرم مسئول کارخانه برق شهرداری بندر دیلم بود. در آن زمان بندر دیلم دو باب مدرسه به نام های هدایت و قاآنی داشت. دبستان هدایت با مدیریت آقای عباس میگلی در کنار دریا و نزدیک خانه ما بود و مدیر آن بوشهری و آشنا بود. پدرم مرا در دبستان هدایت ثبت نام کرد و مادرم از قبل برایم کیف و کفش و لباس نو آماده و دستم را با قلم و کاغذ آشنا کرده بود و من هم برای رفتن به مدرسه روزشماری می کردم. بهر حال اول مهر ۱۳۳۹، دستم در دست پدرم بود و روانه مدرسه شدیم.

در شهر غریب بودم، ولی فضای مدرسه برایم لذت بخش بود. مدیر مدرسه مرا با آقای خرده فروش، معلم کلاس اول آشنا کرد و من وارد کلاس شدم و پدرم خداحافظی کرد و رفت. من در ردیف اول نیمکت کلاس نشستم. آقای خرده فروش مردی بسیار مهربان و دوست داشتنی بود. صحبتهای مقدماتی را بیان نمود و سپس بر روی تابلو تصویر یک قایق را کشید و گفت شما هم مانند من در دفتر خود عکس این قایق را بکشید. من که از قبل آمادگی داشتم فوری تصویر را کشیدم در همین حین پدرم با یک کیسه ی شکلات و یک جعبه بیسکویت آمد و تحویل آقای خرده فروش داد. آقای خرده فروش نقاشی های بچه ها را بررسی نمود و نمره داد و به من هم نمره ۲۰ داد و سپس مرا پای تابلو آورد و نقاشی من را به بچه های دیگر نشان داد و بچه ها مرا تشویق کردند و آنگاه آقای خرده فروش شکلات ها و بیسکویت را بین بچه ها تقسیم کرد و بچه ها مجدداً مرا تشویق کردند. من هم که از قبل علاقه بسیار زیادی به مدرسه داشتم با این کار خوبِ معلم و پدرم علاقه مندی ام به کلاس و درس صد چندان شد و عاشق کلاس و مدرسه شدم.

یاد اولین معلمم آقای خرده فروش (اهل شیراز) تا آخرین استاد دانشگاهیم آقای مهندس صفایی (اهل فسا) بخیر باد.

درس معلم ار بود زمزمه محبتی / جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

مصاحبه با کورش هاشم خانی پیمانکار سینمای شهید آوینی بوشهر:

یک ماه پس از افتتاح نمایشی سینما بهمنی بوشهر،زمان دقیق بهره برداری از سینما مشخص نیست



عکس از : عباس حیدری

شرکت ستاره نگار بوشهر اواخر سال ۸۳ به ثبت رسید و همه اعضای آن تحصیلات مرتبط هنری داشته اند و بر اساس تجربه و علم پیش رفته اند. این شرکت اجرای پروژه هایی چون بانک سپه شعبه لیان، کتابخانه کاکی، سالن کنفرانس اداره امور مالیاتی، سالن کنفرانس مسکن و شهرسازی و... را در پرونده خود دارد.

شرکت ستاره نگار بوشهر با اصرار برخی برای تحویل کار مواجه بوده تا در روزهای پایانی هفته دولت، مراسم افتتاح پروژه را انجام دهند هر چند با به بهره برداری رسیدن و افتتاح پروژه فیلمی بر روی پرده سینما قرار نگرفت به طوری که از دید عموم این مراسم، افتتاحی نمایشی بیش نبود.

"نسیم جنوب" در دومین بخش از گزارش خود که در شماره ۵۶۱ نشریه به چاپ رسید به سراغ پیمانکار پروژه رفت تا برای سوالات عموم شهروندان پاسخی دریافت کند.

در ادامه گفت و گوی خبرنگار نسیم جنوب را با مدیرعامل این شرکت، کسی که ۳ سال پیش پروژه سینمای شهید آوینی بوشهر را بدست گرفته و امسال در آستانه تحویل دادن آن است را می خوانیم:

– بفرمائید پروژه سینمای شهید آوینی را در چه سالی تحویل گرفتید و قرار است چه زمانی تحویل دهید؟

– پروژه شهید آوینی را در سال ۸۵ تحویل گرفتم و قرار شد که پروژه را در سال ۸۸ تحویل دهم.

– به نظر می رسد از زمان افتتاح سینما زمان زیادی می گذرد و عملاً بهره برداری خاصی از سینما ندیده ایم و به گفته شهروندان بوشهری چرا بعد از افتتاح، درب سینما قفل شد؟

– پروژه سینمای شهید آوینی بهمنی هم مثل خیلی از پروژه های دیگر از زمان افتتاح تا اجرای کاربردی آن به زمان زیادی نیاز دارد. در واقع یک پروژه مراحل گوناگونی دارد؛ یک سری تشریفات قانونی اعم از تحویل موقت، پیدا کردن مستأجر، برگزاری مناقصه مالک موقت، تغییر و تحول های صورت وضعیت و ... وجود دارد و بعد از این مراحل کار به مرحله عملی و کاربردی می رسد.

– پس اگر چنین است چرا به افتتاح رسید، به گونه ای که مردم شاهد یک مراسم فرمالیته بودند؟

– در هفته دولت اصرار بر این بود که این سینما افتتاح شود و ما هم این اواخر، برای این کار یک ماه و نیم را به صورت فشرده وچند زمانه کار کردیم و در این مدت بیش از ۳۰–۴۰ نفر مشغول کار بودند. کاری را که به مدت ۵ ماه زمان می برد یک ماه و نیمه به پایان رساندیم و تحویل دادیم.

– با روند فشرده ای که شما و زیر مجموعه شما پیش گرفت آیا سینما آماده افتتاح و بهره برداری بود؟

– بله، علی رغم فشردگی کار و زمان اندکی که داشتیم، سینما کاملاً برای افتتاح آماده بود.

– توضیح کوتاهی از نحوه کارتان بگویید و بفرمایید برای اجرای پروژه با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

– سالنی که در ابتدای کار به این شرکت تحویل داده شد مشخصات یک سالن مسکونی هم نداشت و باید آن را بازسازی می کردیم به گونه ای که با فرم دیوارها و کف آرگونومی سینمایی همخوانی داشته باشد به همین دلیل در سال ۸۵–۸۶ مشغول تخریب، مرمت و بازسازی ابنیه شدیم. به مدت یکسال هیچ بودجه ای به شرکت ما تزریق نشد حتی یک ریال، گرچه کار را تعطیل نکردیم اما کار کند پیش می رفت در واقع بودجه ای که می توانستیم با آن برنامه ریزی کوتاه مدت یا بلند مدت داشته باشیم قطع شده بود.

– آیا تمام کمبودها و مشکلات ناشی از کندی کار، به بودجه ختم می شد؟

– بالاخره بودجه یکی از نقاط مهم ادامه مستمر پروژه است اما روند ساخت و تکمیل آن تا روزی که قرار بود سینما افتتاح شود چند بار کاربری اش عوض شده بود و ما برای این کار از بهره بردار و مجری دستور می گرفتیم.

– بالاخره موضوع روشن نشد، اگر سینما کاملاً برای افتتاح آماده بود پس چرا با گذشت روزهای متوالی، فیلمی بر روی پرده آن قرار نگرفت؟

– بعد از بازدید کمپ متخصصی که از سینمای آزاد تهران به بوشهر آمده بودند به عنوان تشویق، ۲ آپارات و بودجه به سینما الحاق شد و قرار شد مجدداً در نمای سینما تغییراتی بوجود آید.

– از نظر مردم وجود نقص فنی در سینما دلیل اصلی برای به بهره برداری نرسیدن است. آیا این موضوع صحت دارد؟

– من به شما و مخاطبان نشریه نسیم جنوب و کلیه شهروندان بوشهری این اطمینان را می دهم که از لحاظ نقص دکور و ابنیه هیچ ایراد و اشکالی به سینمای شهید آوینی بوشهر وارد نیست و محوطه هم کوچکترین نقصی ندارد.

– برخی از مغازه دارانی که در حوالی سینما مشغول هستند مدعی اند که در این میان خساراتی را متحمل شده اند. نظر شما در این خصوص چیست؟

– ما همه تابلوها را به بهترین فرمت نصب کردیم و همگی به صورت مجانی و با هزینه شخصی ۸ میلیون تومان نصب شده، چرا که به خاطر تعهدی که کرده بودم و اعتقادی که به زیبا شناسی محیط داشتم این هزینه را متقبل شدم. کارم را تا آنجا که در حد و اندازه و رسالتم باشد انجام می دهم.

– مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی برای آخر شهریور ماه قول اجرای کنسرتی را در این سینما داده بودند، اما مثل اینکه سینما برای اجرای این کنسرت هم آماده نشد؟

– برگزاری چنین کنسرتی در روزهای پایانی شهریور ماه پیشنهاد مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بود اما در جریان هماهنگی که با وزارتخانه در تهران داشتند اعلام شده بود که تا پایان کامل پروژه و اعمال تغییرات نهایی در آن، برنامه خاصی در آن اجرا نشود تا آپاراتهای جدید نیز نصب شود و بعد از پایان نهایی کار صورت گیرد.

– پایان کار چه زمانی خواهد بود؟

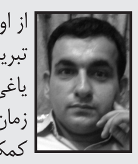
– در۶ ماهه دوم سال سینما به بهره برداری کامل خواهد رسید اما زمان دقیق آن مشخص نیست.

رنجی که پدران ومادران ما کشیدند (۸)

ندیدم اینکه کسی دم زند زآزادی

گوشه ای از چهل سال تاریخ معاصرجنوب ایران

زرتشت دوانی



از اوایل سال ۱۳۲۴خ سید جعفر پیشه وری در تبریز با حمایت نظامی روسها سر به شورش و یاغی گری علیه حکومت گذاشت بعد از اندکی زمان در ایالت فارس ناصر خان قشقایی با کمک مالی و نظامی انگلیسیها شورشی را علیه دولت و پایگاههای حزب توده به راه انداخت که شاخه بنادر جنوبی آن به عهده فتح الله خان حیات داودی می بود. حیات داودی در یک عمل سریع با همکاری رئیس علی تنگستانی (چاه پیری) در ۲۸ شهر یور۱۳۲۵خ بندر بوشهر را توسط قوای چریک حیات داوود، دشتستانی و تنگستانی به تصرف در آورد و تمامی ادارات دولتی را اشغال نمود و ظرف چند ماه اشغال بندر بوشهر مردم در وضعیت اقتصادی و امنیتی وخیمی به سر می بردند. چرا که شهر بدون پاسبان امنیه و قانون با چریک های تمام مسلح اداره می شد و تمامی زندانی ها به دستور رئیس علی تنگستانی آزاد شده بودند و دائم افراد کینه جو قصد انتقام گیری از دشمنانشان را داشتند و هر لحظه خطر غارت و تجاوز از طرف شورشیان حس می شد و خود خوانین هم پیمان وفاداری و دوستیشان تا وقتی بود که دسترسی به شکرهای گمرک بندر بوشهر نداشتند.

یکی از شفاف ترین و مهمترین منابعی که می توان از وضعیت اجتماعی و اقتصادی بندر بوشهرو برازجان در آن روزها اطلاعاتی بدست آورد، کتاب توفان نوشته محمد بحرانی متخلص به خاور دشتستانی زاده دشتستان است که در سال ۱۳۲۵از شیراز به شهرهای برازجان و بوشهر سفری میکند و مشاهدات خود را از وضعیت اجتماعی این دو شهر را در مجموعه قصایدی با عناون «نام دیار من» در اوایل سال ۱۳۲۶ چنین می سراید:

دیار خویشتن اندر میان سبزه وگل
زراه دور چنان نقطه ای عیان دیدم
هزار خاطره دارم زدشت و صحرایش
«برازجان» نتوان گفت شهر جان دیدم
چهار سال گذشت عمر من در این وادی
بزیر سنگ عمر خود نهان دیدم
زدور این همه دل برده بود موطن من
چگویم آنچه که دیدم همه خزان دیدم
خلیده خار بقلب ستمکشان برعکس
ستمگران همه را شاد و کامران دیدم
زنان رنگ پریده بزیر بار گران
برهنه پا و دل فسرده کودکان دیدم
چنان جهنم ثانی جماعتی گمراه
سیاه روز و دل افسرده اندر آن دیدم
غبار مرگ و مذلت بچهره های نفوس
پدید بود که من شهر «مردگان!» دیدم
بکام دیو جهالت فرو شده مخلوق
عموم جاهل و مفلوک و ناتوان دیدم
خواص جمله گرفتار سود و نفع و حساب
عوام نیز بدنبال آب و نان دیدم
نبد تمدن و فرهنگ و مرد فرهنگی
اسیر ودربدر و خوار دلگران دیدم
میان جهل و کثافت فرو شده شهری
که من زراه بعیدش به مثل «جان» دیدم
بگوید به دولت تهران که چشمتان روشن
بدین شرارت و غارت کزین و آن دیدم
فریب خورده جوانان بجای کسب هنر
گرفته اسلحه به دنبال خان روان دیدم
تمام کوچه و بازار همچو مزبله دان
خسان پست تری جای پاسبان دیدم
جنوب مرکز بیچارگی و دربدری است
کلید شهر مذلت برازجان دیدم

در بوشهر چه دیدم؟

اسارت و ستم آنجا بحد اعلا بود
کثافت و مرض و غصه حکم فرما بود
درست معنی مستعمره نمودم حس
که شهر ساکت و محزون و پر معما بود
ندیدم اینکه کسی دم زند زآزادی
دچار سستی معموله پیر و برنا بود
منش بوادی اموات یاد میکردم
که اسم وادی اموات با مسما بود
زروی مردم این بندر خراب شده
علائم غم و آثار غصه پیدا بود
علیل زرد و گرفتار رنج بدبختی
همه وسائل بیچاره گی مهیا بود
نشانه ای زحیات و نشاط و عشق و امید
زکس ندیدم و درهای مسکنت وا بود
نه خنده بر لب مه پاره ای عیان دیدم
نه در برابر من دلبری شکرخا بود
مرا بمنظره ای بس علاقه بود و آنهم
تلاطم طرب انگیز آب دریا بود
چو دید دیده ام آن آبهای پهناور
دلم زغصه تهی شد زبسکه زیبا بود

....

ببام قونسول بیگانه پرچمی دیدم
که مظهر ستم و جور و حرص و یغما بود
بیاد ذلت ایران فتادم و از شرم
دو قطره اشک بچشمان من هویدا بود
کشیده نعره خلیج از ته دل و نالید
زجور صاحب وآن پرچمی که بالا بود

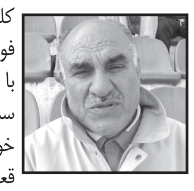
از شعر واحساسات شاعرانه خاور دشتستانی وغائله آذربایجان وشورش نهضت جنوب که با سیاست مصلحت اندیشی دولت مرد سیاسی آن زمان ایران یعنی جناب اشرف قوام السلطنه که پایان پذیرفت دور شویم سالهای جلوی چشمان تا میانه و حتی بعد از دهه سی خورشیدی برای بنادر جنوب فقر فلاک و ویرانی روبروز شهر آینده ای دیده نشد.

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۵٦۳ یک شنبه ۵ مهر ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

امانت دار شاهین بزرگیم

عباس سالار پور

فوتبال به کللی فرد، رحم نکرد



کللی فرد سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر با انجام پنج بازی یعنی دو مساوی، سه باخت، پنج گل زده و نه گل خورده با تفاضل ۴- و با دو امتیاز در قعر جدول هیجده تیمی لیگ برتر، یکی از ضعیف ترین تیمهای حال حاضر لیگ را از خود بجای گذاشت و این کارنامه موفقی برای او نبود. از ایرادی که به کللی فرد وارد بود یکی این که در توجیه شکست های تیم، توپ را به زمین دیگران می انداخت و اغلب در مصاحبه ها با طرح ضعف مدیریتی، اشتباه فردی، تزلزل در دروازه و مشکل خط دفاع، باختهای تیم را گردن نمی گرفت و هیچ اشاره ای به ضعف های فنی و مشکلات تاکتیکی تیم نمی کرد و دیگر اینکه نیمکت ذخیره های او فاقد یک شاخص فنی و قوی و با تجربه و یا یک مدیرفنی بود که در جریان و شرایط بازی قرار بگیرد و با تجزیه و تحلیل خود ضعفهای تیم به او گوشزد کند.

یک اشتباه کللی فرد توصیه پذیری بازیکنی بود که در حد لیگ برتر نبود و اکثر هواداران بخاطر می آورند ایشان دو، سه سال قبل با چه شکل و ترفندی تیم شاهین را سرکار گذاشت و بر سرهمین بازیکن با هیات رئیسه مشکل پیدا کرد و بحالت اعتراض جلسه را ترک کرد در حالی که در دفاع ضعفهای زیادی وجود داشت و پست او دفاع بود هیچ بدرد تیم نخورد. شما خوب می دانید که فوتبال پدیده ای بی رحم است و به هیچ کس رحم نمی کند و صدها مربی قربانی این گونه مسائل شده اند و درآینده هم خواهند شد.

به هر صورت کللی فرد یکی از مربیان خوب شهر و دیار ما هست و زحمات زیادی برای صعود تیم شاهین کشیده و بالاخره مربیان یک روزی به درست یا غلط کنار گذاشته می شوند، او هم از جمله یکی از آنها است.

به یاد آنان که شاهین را زنده نگه داشتند

پس از برکناری حمید کللی فرد از سرمربیگری شاهین، محمود یاوری یکی از مربیان با تجربه شاهینی سکاندار تیم شده است در رسانه ورزشی ایشان چندین بار از مکتب شاهین سخن گفته و بحق هم درست گفته است و سطح توقعات و انتظارات همه شاهینی های قدیمی، پیش کسوتان و هواداران تیم را بالا برده و خود نیز کار سختی در پیش رو دارد تا با همکاری و تعامل با پیشکسوتان تیم و با فراهم کردن بستر همکاری عملاً خدمت ارزنده ای و با دید کارشناسی و دقت نظر به بررسی اطرافیان خود آنها را خوب شناسایی نماید.

محمود یاوری مربی بزرگیست و تیم شاهین هم تیم بزرگیست و با شوکی که به تیم وارد کرده می تواند به موفقیتهای زیادی دست یابد. برای اثبات بزرگی شاهین همین کافیست که نظام گذشته بخاطر بعضی از مسایل سیاسی و ترسی که از آن مجموعه کلاسیک و طرفداران پر شمارش داشت، دستور به انحلال تمام باشگاههای شاهین در سرتاسر کشور را صادر نمود و تا الان هم بغیر ازهمین یک شاهین بوشهر، اثری از هیچ کدامشان باقی نیست. حتی شاهین تهران با آن همه طرفدار و امکانات. اما شاهین بوشهر با فراز و نشیبهایی که دست بگریبان بود و با دردسرهای فراوانی که وابستگان به رژیم گذشته برایش ایجاد می کردند مثل ساواک و امثالهم توانست بعداز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مجدداً با پروانه شاهین شروع بکار و تا کنون با همین نام فعالیت می کند بغیر از مدت زمانی که اجباراً با نام تابان (شاهین) در مسابقات شرکت می کرد. اینها همه مرهون، مدیون و میراث گذشتگانیست که با هزینه شخصی خود وسائل ورزشی تامین می کردند و با هیچ امکاناتی، فوتبال بازی می کردند و شاهین را زنده نگه داشتند و جا دارد که از آن عزیزان، نامی برده شود: مرحوم علی توکلی، عبدالمحمد روشن، حاج عبدالمحمد زنگوئی، محمد جواد گرانبها، سید اسماعیل برزگر،احمد تورانی، سید مرتضی مصلح، حسن جمالی، عبدالخالق نسترن(ماشاءا...)، محمد رضا خجسته، ابراهیم کشتکار، خضر درخشان، حیدر واحدزاده، رسول گرد، محمدحسن نخعی، عالی غریبی، عبدالحسین خواجه ئیان، رسول خواجه ئیان، عبدالحمید جفره ای، حسن جمهیری، ماشاءا... ماهینی، اسماعیل پوربیات، عبدالکریم حق شناس، تیمور میگلی و... به روح و روان همه آنها درود می فرستیم و یادشان را گرامی می داریم. اینها سند بنجاق و ارزشمند باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین بوشهرهستند و ما و شما هواداران میراث دار و امانتدار هستیم تا این میراث ارزشمند را حفظ و از آن حراست کنید. در پایان موفقیت محمود یاوری با تیم شاهین را آرزومندیم. انشاءا...

آقای یاوری، دشتی هنوز آماده است

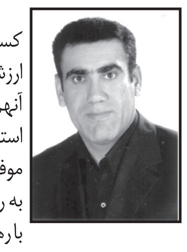
مسئولان، مدیران و کادر فنی شاهین بوشهر بدانید که هنوز ایمان دشتی کاپیتان شاهین آماده و سرحال است و برای هنرنمایی در لیگ برتر لحظه شماری می کند. آیا کسانی که دوروبر کادر فنی و محمود یاوری می باشند، تا بحال معرفت به خرج نداده اند که فداکاری های دشتی را به ایشان توضیح دهند. همانطور که همه می دانیم آقای دشتی از تمام پیشکسوتان درحال حاضر و قدیمی شاهین بیشتر در شاهین توپ زده و در مسیر لیگ برتری شدن شاهین نقش بسزایی داشت. جناب یاوری زمانی که در تیم شاهین پولی در کار نبود امثال دشتی خوب بودند. همین که سروکله پول در فوتبال بوشهر پیدا شد دشتی و امثال آن برای شاهین بدرد نخور می شدند. امید است کلیه مسئولان شاهین از آقای کنگانی گرفته تا رئیسی نژاد و جناب یاوری، برای دلخوشی هواداران شاهین، کاپیتان را به خانه خودش باز گردانند.

(جمعی از هواداران شاهین بزرگ و عزیز)

رهبری و زحمات لیدرها همراه با حمایت و تشویق یکپارچه هواداران ورزشگاه تختی اهواز را به لرزه انداخته بود!

لرزه ورزشگاه اهواز در برابر بوشهری ها

رضا سیاهوشی



کسب یک تساوی ارزشمند در خوزستان آنهم در برابر تیم استقلال اهواز، در ادامه موفقیت های و روند رو به رشد تیم شاهین همراه با رهبری مقتدرانه محمود خان یاوری و اخذ ۵ امتیاز مهم از سه تیم بزرگ و نامی باعث رضایت مندی و خوشحالی هواداران شاهین و همچنین جابجایی این تیم از رتبه هیجدهم جدول به سیزدهم تاکنون گردیده است و بازیکنان شاهین به خودباوری لازم رسانده است. ضمن اینکه تیم هایی که مقابل این تیم قرار می گیرند هم دیگر حساب ویژه ای برای مصاف با آن دارند و بعبارتی چون بال های زیبای شاهین به پرواز درآمده و بر فوتبال کشور سایه می اندازد، یقیناً شکارچیان در پی شکستن آن بال ها و جلوگیری از ادامه پرواز آن خواهند شد، لذا لازم است که جناب سرهنگ برای جلوگیری و کاهش آسیب های احتمالی نسبت به ترمیم خط دفاعی و اضافه نمودن یک دفاع مستحکم و مطمئن به تیم ، یک دروازه بان شش دانگ و همچنین یک مدافع چپ پا جهت استفاده بهتر از ایران نژاد در پیستون چپ یا جابجایی و استفاده از دیگر بازیکنان تصمیم لازم اتخاذ نماید زیرا که به لحاظ داشتن مهاجمان سرعتی و نسبتاً خوب باید نهایت استفاده از ۴ نفر سهمیه خود برده تا در ادامه و کوران مسابقات دچار مشکل جدی بابت مصدومیت ،محرومیت و اتفاقات ناگوار در فوتبال نگردند و با توجه به حمایت یکپارچه و همه جانبه ای که هواداران به رهبری لیدرهای زحمتکش و متعصب از این تیم انجام می دهند بتوانند جایگاه مناسبی در جدول برای خود به دست آورند .هرچند که استفاده بیشتر و مناسب از ساندی و به قولی ۹۰ دقیقه ای کردن این بازیکن می تواند او را به عنوان یکی از پدیده های لیگ برتر فصل جاری معرفی نماید.



در بازی مقابل تیم استقلال اهواز میلاد میداودی با تلاش و دوندگی خود ضمن به ثمر رساندن دوگل برای استقلالی ها بهترین بازیکن زمین بود هرچند نقش و تاثیر پترویج همراه با دوندگی و پاس های کوتاه و زدن گل زیبا و فنی و همچنین عبدالله کرمی هم در تیم شاهین موثر و کارساز بود و پترویچ نشان داد که بازی به بازی بهتر می شود ضمن اینکه حمیدی در دفاع راست روز خوبی را نداشت و با تعویض وی و آمدن ساندی به زمین و بازگشت عبدی به دفاع راست تیم شاهین نظم بهتری گرفت و فشار حملات خود را به روی دروازه استقلال افزایش داد و توانست از روی نقطه پنالتی و توسط رضا بازیاری به گل دوم خود و پنجمین گل این بازیکن نتیجه بازی را به تساوی تغییر دهد و شادی را به اردوی شاهینی ها و تماشاگران بوشهری در ورزشگاه بکشاند. هرچند که پاس ارسالی کرمی به پورخسروانی در دقایق پایانی بازی نیز می توانست شاهین را با پیروزی هم از میدان خارج سازد.

- جابجایی حدود بیش از ۲ هزار تماشاگر بوشهری توسط پلیس حاضر در ورزشگاه در چند نوبت باعث تنش و درگیری شد و موجب ناراحتی و خشم تماشاگران بوشهری و گله مندی از آقای دوانی در ارتباط با تعیین جایگاه ویژه برای میهمان در بوشهر و عدم توجه این مسئله در شهرستان ها نسبت به آنان بودند که در نهایت با تلاش و پیگیری وردیانی مسئله ختم به خیر گردید و تماشاگران به جای مورد نظر خود برگشتند .

- هادی خنیفر بازیکن استقلال اهواز که سابقه بازی در تیم شاهین بوشهر هم دارد هرچه تلاش کرد نتوانست در این بازی گلی به ثمر رساند.

- تماشاگران اهوازی نسبت به یاوری کم لطفی نمودند که یاوری با خونسردی و بخاطر تجربه بالا از این برخورد آنان با بی تفاوتی گذشت.

- حضور بیش از ۲ هزار تماشاگر متعصب و علاقمند بوشهری که با تشویق های مکرر خود ورزشگاه را به وجد آورده بودند و اهوازی ها را متحیر کرده بودند ضمن آنکه باعث تقویت روحیه بازیکنان و کادر فنی تیم شاهین شده بود و بازیکنان هم ابراز محبت آنان را با این نتیجه و بعداز پایان بازی پاسخ دادند.

- اکیپ کاملی از صداو سیمای مرکز بوشهر به مانند همیشه تیم شاهین را در این دیدار همراهی می کردند.

- ایوان پتروویچ (۱۲) و رضا بازیاری (۷۰ از روی نقطه پنالتی) برای تیم شاهین و میلاد میداوودی در دقایق۲۵ (پناتی) و ۳۵ برای استقلال اهواز گلزنی کردند.

-عبدالله توحیدی، میلاد میداوودی و عبدالهادی خنیفر از استقلال اهواز و ایوان پتروویچ از شاهین از داور بازی کارت زرد گرفتند.

ایرانجوان سوار بر موج احساسات؟!

علی رضا حق پرست



خرید امتیاز برای حضور داشتن باشگاه پر پیشینه ای چون ایرانجوان در لیگ یک کشور ازهر زاویه ای که به آن بنگرید، مثبت ارزیابی می شود اما از نگاه منطق صرفا و تماما یک کار احساسیست آن هم احساسی که بیشتر جنبه حسادت به خود گرفته است تلقی می شود.

وقتی پرسه خرید امتیاز برای باشگاه ایرانجوان را مورد برسی قرار دهیم با توجه به اندک زمانی که تا شروع مسابقات لیگ ۱ کشور مانده و تیمی که هنوز نتوانسته نفرات مورد نظر خود را بشناسد تا حداقل با ۶۰درصد آمادگی وارد مسابقاتی شود که به فوتبالی گلادیاتوری معروف است آن هم در گروه بسیار سختی که تمامی تیم های حاضر در آن دست کم از ۲ ماه پیش تمرینات خود را شروع کرده اند نمی توان امید چندانی حتی به بقای این تیم در لیگ یک داشت. سئوال پیش روی ما این است که چرا کسانی که فکر خرید امتیاز به ذهنشان خطور کرد زودتر دست به کار نشدند تا زمان برای فراهم کردن تیمی مقتدر که قرار است با نام بوشهر در مسابقات لیگ ۱ کشور حضور یابد از دست نرود؟



به گفته مردان سیاسی که پشت این تیم قرار گرفته اند این کار به منظور توازن بخشیدن به فوتبال بوشهر صورت گرفته است. اما باید یادآور شد که این توازن تنها با خرید امتیاز و حضور داشتن در لیگ ۱ بدست نمی آید. می توانستیم به جای این کار خوب احساسی! بودجه ای که قرار است برای این فصل هزینه شود با حضور در همان لیگ ۲ با یک برنامه مدون و به روز شرایطی فراهم کنیم تا هم بتوانیم صعود کنیم و قدر موقعیت به دست آمده را بهتر درک کنیم. ایرانجوان پیش از این تجربه چنین کاری را در کارنامه خود دارد آن هم با شرایطی به مراتب بهتر از شرایطی که امروز دارد، اما متاسفانه به دلیل عدم کارایی مدیریتی در این باشگاه راهی به جز سقوط پیش روی خود ندید. جالب آن که همیشه گفته می شود باید برای انجام کاری تمامی جوانب را درنظر گرفت و از تجربه دیگران استفاده نمود اما باز هم اینگونه به نظر می رسد ایرانجوانی ها از تجربه تلخ خود جهت تکرار نشدن اشتباهات مکرر گذشته استفاده ایی نخواهند کرد.

شایان ذکر است که مدیرعامل این باشگاه که چندان مدیریت ورزشی را تجربه نکرده، مبنای مدیریتی خود را ساختار سازی، نظام مند سازی و ورود به عرصه باشگاه داری (نه تیم داری) اعلام کرده که در یک نگاه اجمالی بسیار سخنان زیبا یی به نظر می رسد اما برای تحقق بخشیدن به این اهداف که زمان بر می باشد لیگ ۲ کشور یعنی جایی که ایرانجوان در آن حضور داشت بهترین موقعیت برای اجرای این اهداف بود. چرا که حضور در لیگ ۱ یعنی بالا رفتن توقعات هواداران این تیم برای نتیجه گرفتن حال هر چند گفته شود برای بقاء می جنگیم، برنامه دراز مدت داریم، اهدافی را دنبال می کنیم و . . .

همانطور که انصاری فر مدیر عامل پرسپولیس تهران هر چقدر کارهای انجام داده خود را بیان می کند به دلیل نتیجه نگرفتن این تیم وی را باعث این ناکامی می دانند که تمامی کارهای وی را تحت شعاع قرار می دهند. اما ایشان گفته است نگاه من در این باشگاه مشارکتی است اما تا این جای کار چنین به نظر نمی رسد زیرا با دادن حکم به افرادی چون نادر اقدام که از لحاظ فنی، مدیریتی و ساختار سازی باشگاه ، صاحب نظر ودارای افکار و ایده های برجسته ی علمی نیز می باشد خبری نیست. به هر حال امیدواریم از باشگاه ایرانجوان که سوار بر کایت احساسات موج سواری می کند سکوی پرتاب افراد سیاسی که در مجموعه این باشگاه قرار گرفته اند برای رسیدن به جایگاهی بهتر استفاده ابزاری نشود.

نگاه محلی- نگاه ملی

تقدیم به کاپیتان عبدالرضا بازیاری

مجید اصلانی



ما حرف مان را برای فوتبال می زنیم و فوتبال برای پیشرفت مواد اولیه می خواهد که در این جا به هفت مورد آن اشاره می نمایم: ۱- توانایی های ژنتیکی ۲- منطقه جغرافیایی ۳- اقبال عمومی ۴- منابع مالی ۵- امکانات ۶- برنامه ریزی ۷- آموزش.

سالیان مدیدی است که در جنوب، فوتبال یکی از ارکان خانواده گردیده و همیشه در مسابقات رسمی و غیررسمی از اقبال عمومی برخوردار بوده است ولی منابع مالی و امکانات به خصوص برنامه ریزی و آموزش از جمله مواد اولیه ای بوده که از آن برخوردار نبوده ایم. نگاهی بیاندازید به عبدالرضا بازیاری کاپیتان تیم پرهوادار شاهین پارس جنوبی در لیگ آزادگان با ۲۴۱۰ دقیقه طی ۳۰ بازی ۷ گل امتیاز آور و مثمر ثمر و هیجان انگیز را به ثمر رسانید و بهترین گل زن این تیم در لیگ آزادگان شناخته شد و هم اکنون نیز با تجربه فراوان، رهبری تیم در لیگ برتر با ۵ گل زده بهترین و موثرترین و با اخلاق ترین آنها بوده است. چه کسانی می بایست با نگاه ملی وظیفه مند و با تعهد عمل می نمودند و در کشف استعداد ها با برنامه ریزی، به استان های جنوبی نگاه کلان می انداختند و با فرصت سوزی هایی که شد چه استعدادهایی چون بازیاری، دشتی، مصری، ماهینی، صمیمی، اقدام، عبداله زاده، هلال بحر و.. در استان بوشهر سوختند که این ها می توانستند به جای محصور شدن در نگاه محلی، در صحنه فوتبال ملی بدرخشند که متاسفانه به علتی نبودن برنامه و امکانات و هم چنین قرار گرفتن این تعداد بازیکن در منطقه جغرافیایی جنوب، فوتبالشان سوخت و الان مشاهده می نمایید که بازیکنی مثل عبدالرضا بازیاری با ۳۷ سن و به ثمر رسانیدن گلهای ایستگاهی زیبا که سالیان دراز در کشورهای اروپایی با هزینه بالا در پی کشف این نوع استعداد های باشعور فنی هستند، متاسفانه در کشور ما به راحتی این تیپ بازیکنان به دلیل نبودن نگاه ملی سوخته می شوند.



مثالی می آورم؛ یک بازیکن ۱۷ ساله در برزیل چیزی حدود ۸۰ بازی رسمی را با تیم هایی مثل شیلی، پرو، اکوادر بازی می کنند. ده هزار ساعت بازی به آنها درکی می دهد که فهم آنها را از سیستم و ترکیب بالا می برد. تعداد بازی های بالا به آنها تجربه می دهد. جلسات تمرین فراوان به آن افزوده می شود و در سن جوانی به پختگی می رسند. ولی فوتبال ما هنوز سبک ندارد و تفکری در آن وجود ندارد و چون نگاه ها در سطح محلی بالاتر نرفت و نگاه ملی نیز تفکری با خرد و فاقد قدرت برنامه ریزی بود خیلی از جوانان فردایی ها ما در منطقه جغرافیایی خود سوخت شدند. مثالی دیگر بیاورم و ختم کلام، در فوتبال آلمان دو چیز قابل لمس است: تولید و پویائی.



طرح از مسعود ماهینی



ناصر شکرون با ۱۷۰ میلیون، شاهینی شد

محمد ناصر شکرون مهاجم مورد علاقه محمود یاوری با یک قرارداد ۱۷۰ میلیونی به شاهین پیوست. این بازیکن که در فصل ۸۶مسابقات لیگ برتر با ثمر رساندن ۶گل برای برق شیراز یکی از بازیکنان خوب خارجی لیگ برتر بود، در ابتدای فصل قبل با پیوستن یاوری به استقلال اهواز به این تیم آمد اما جدایی محمود یاوری باعث ماندگاری این بازیکن شد گرچه دچار درگیری با اکبر میثاقیان شد و مدتها از ترکیب استقلال اهواز به دور بود. البته در فصل قبل موفق شد ۵گل برای استقلالی ها به ثمر برساند، حالا این مهاجم عراقی محبوب محمد یاوری به شاهین پیوسته تا خط حمله شاهینی ها با حضور این مهاجم، احمد پوری و پورخسروانی زهردارتر از قبل شود.

نجمی زاده و پیر سراندیپ در آستانه شاهینی شدن

مصطفی نجمی زاده و پیر سراندیپ دو بازیکن خوب فصل گذشته شاهینی ها که در این فصل در لیست حمید کللی فرد قرار نداشتند، با نظر مساعد محمود یاوری بار دیگر به تمرینات شاهینی ها برگشتند و در تمرینات این تیم شرکت می کنند. این دو بازیکن چند روزی هم در تمرینات تیم ایران جوان شرکت کردند اما با نظر مساعد یاوری به شاهین آمدند. اینکه آیا این دو بازیکن می توانند نظر مساعد سرمربی شاهینی ها را جلب کنند هنوز مشخص نیست. در صورت جلب رضایت محمود یاوری این دو بازیکن بعد از سه هفته می توانند برای شاهینی ها بازی کنند.

حمید کللی فرد ۱۵۰ میلیون تومان از شاهینی ها می گیرد

حمید کللی فرد سرمربی شاهینی ها که بعد از ۵ بازی به دلیل کسب نتایج ضعیف از سمت خود برکنار شد، بعد از برکناری اعلام کرد مبلغ کامل قرارداد خود را خواهد گرفت چون استعفاء نداده بلکه برکنار شده است. اما کللی فرد که با یک قرار داد ۲۰۰ میلیونی با شاهینی ها منعقد کرده بود برای دریافت مطالبات خود فقط ۵۰ میلیون به شاهینی ها تخفیف داده و ۱۵۰ میلیون تومان از مبلغ قرارداد خود را طی دو فقره چک از شاهینی ها دریافت خواهد کرد.

کانون هواداران شاهین، ثبت رسمی می شود

جریمه ۷ میلیونی باشگاه شاهین و احتمال محرومیت شاهینی ها باعث شد که مدیران باشگاه طی یک نشست فوری با اعضاء کانون هواداران باشگاه شاهین خواستار فعال شدن کانون هواداران شاهین که از ابتدای مسابقات لیگ برتر تعطیل شده بود، برای ساماندهی هواداران برای جلوگیری از محرومیت تیم شدند. در بازی با مس کرمان اعضاء کانون هواداران حضور فعالی در ورزشگاه و ساماندهی لیدرها داشتند و بازی با کمترین مشکلی به اتمام رسید. فرهاد محمد پور رئیس کانون هواداران شاهین در گفتگویی اعلام کرد کار ثبت رسمی کانون هواداران شاهین بوشهر در وزارت کشور و اداره ثبت شروع شده است و بزودی کانون هواداران شاهین ثبت رسمی کشور می شود و دور جدید فعالیتهای خود را شروع می کند.

یک روزنامه نگار مدیر روابط عمومی شاهین شد

علیرضا محمدی سخنگویی فصل قبل باشگاه شاهین و فرزند محمد رضا محمدی از پیشکسوتان باشگاه شاهین، طی حکمی از سوی مجید کنگانی به سمت مسئول روابط عمومی باشگاه شاهین انتخاب شد. محمدی از نویسندگان ورزشی نشریات نسیم جنوب و نصیر بوشهر است. انتخاب یک روزنامه نگار به سمت مسئول روابط عمومی باشگاه شاهین جای بسی خوشحالی دارد.

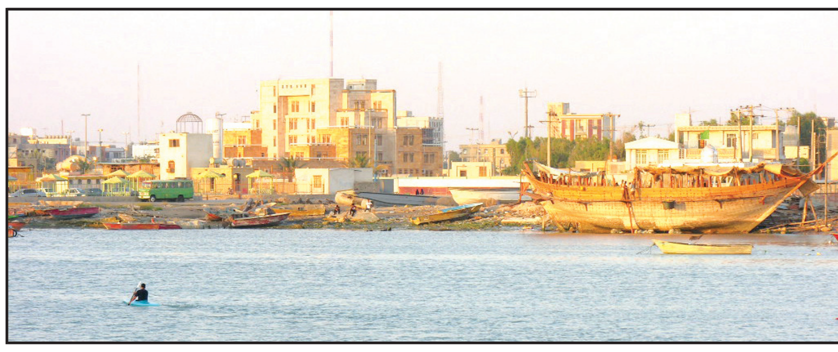
بالاخره تکلیف ۵ میلیارد شاهینی ها چه شد

در حالی که نماینده مردم بوشهر در ابتدای مسابقات لیگ برتر از نهایی شدن ۵ میلیارد تومان شاهینی ها می داد، اما مدیران سازمان منطقه پارس جنوبی از عدم تصویب این ۵ میلیارد خبر می دادند. در حالی که با نزدیک شدن به نیم فصل بازیها مسئولین شاهین باید قسط دوم بازیکنان خود را بدهند، اما پولی در باشگاه شاهین نیست که پرداخت شود و کنگانی مدیر باشگاه رایزنی های خود را برای حل بحران مالی شروع کرده است. گفته می شود نماینده مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی هم رایزنی ها ی خود را با جشن ساز معاون وزیر نفت و میرکاظمی وزیر نفت شروع کرده تا تیم شاهین دچار بحران مالی نشود.

امتیاز ایران جوانی ها به پرسپولیس گناوه رسید

با خرید امتیاز تیم مقاومت فارس توسط ایران جوانی ها و حضور این تیم در لیگ دسته یک کشور، مدیران ایران جوان به دنبال فروش امتیاز لیگ دسته دومی این تیم بودند که با چند استان کشور هم مذاکراتی شد اما این امتیاز در استان بوشهر ماند و به تیم پرسپولیس گناوه رسید و این تیم با خرید امتیاز ایران جوانی ها به مبلغ صد میلیون تومان، وارد لیگ دسته دوم کشور شد.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
نسیم جنوب
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



تشویق شاهین بوشهر با اعمال شاقه

مهندس فرزان اسدی



۱- هواداران تیم شاهین که بالغ بر ۲۵۰۰ نفر بودند به محض ورود به ورزشگاه به جایگاه میهمان که طبق دستور سازمان لیگ در پشت نیمکت تیم میهمان قرار دارد راهنمایی شده و مستقر گردیده و شروع به تشویق تیم شاهین پرداختند، ولی بعد از دقایقی مامورین نیروی انتظامی خواستار جابجایی تماشاگران بوشهری از محل استقرارشان به جایگاهی در پشت یکی از دروازه ها بودند که مورد اعتراض تماشاگران قرار گرفتند، در این میان یکی از مسئولین انتظامی اعلام نمود که این جمعیت از هواداران می بایست به سه گروه تقسیم شده و در سه قسمت مختلف ورزشگاه مستقر شوند که این موضوع نیز با اعتراض همراه بود و یکی از دلایل عدم حضور در جایگاه دیگر از سوی تماشاگران ، وجود آفتاب گرم و سوزاننده ای بود که در بخش های دیگر ورزشگاه به جایگاههای مورد نظر می تابید و دیگر اینکه معترضین دستور سازمان لیگ و رئیس آن آقای عزیز محمدی را مورد استناد قرار داده و خواهان حضور در جایگاه قانونی خود بودند که این پافشاری باعث ایجاد درگیری بین مامورین انتظامی با معترضین گردید که بعضی از هواداران تیم شاهین نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ۲- متاسفانه برخورد بعضی از مامورین نیروی انتظامی با تماشاگران ناشایست و بعضا دور از ادب بود (به کار بردن الفاظ نازیبا و رکیک) که متاسفانه اکثر این مامورین نیز اتیکت نام و نام خانوادگی نیز به روی سینه خود نداشتند. ۳- نگارنده که خود نیز به عنوان خبرنگار در حال تهیه گزارش و عکس از حواشی قبل و ابتدای بازی بود ، با ممانعت یکی از مامورین نیروی انتظامی در این خصوص مواجه گردید و به نزد یکی از فرماندهان خود در ورزشگاه هدایت گردید و ایشان ضمن درخواست کارت خبرنگاری پس رویت کارت ، اعلام داشتند که شما حق عکاسی و فیلمبرداری را ندارید، پس از اعلام اینکه بنده خبرنگار هستم ، ایشان اعلام کردند که کارت خبرنگاری دارید؟ به ایشان اعلام نمودم که کارت خبرنگاری نزد شماست، ولی ایشان از این موضوع اظهار بی اطلاعی نموده در صورتی که کمتر از یک دقیقه قبل از این موضوع کارت در جیب خود گذاشته بودند و گفتند که چون شما کارت ندارید حق هیچگونه تصویر برداری ندارید!!! این در حالی بود که مجدداً در پی اعلام اینکه من می بایست خبر خود را مستند ارائه نمایم، با دوست محکم بر سینه من ویکی از همراهان ایشان نیز باتومی به پای بنده زده وخواستار توقیف دوربین من گردیدند و در اعتراض به چرایی ضرب و شتم، وی اعلام نمود چه کسی شما را کتک زده و چرا جو سازی می کنید!!! این در حالی بود که اینکار در جلوی چشمان تماشاگران انجام می گرفت و در پایان بازی نیز کارت خبرنگاری نیز تحویل داده نشد. ۴- حاج حسین وردیانی مدیرکل تربیت بدنی بوشهر و مهرزاد رئیسی نژاد از باشگاه شاهین، پس از رایزنی با مسئولین ارشد تربیت بدنی و نیروی انتظامی، تماشاگران بوشهری را به جایگاه قبلی خود بازگرداندند. ۵- تماشاگران هوادار شاهین که جمعیت آنها به بیش از سه برابر هواداران استقلال اهواز می رسید، با شور و حالی وصف ناشدنی تیم خود را تشویق می کردند و این در حالی بود که در بین این هواداران، چهره های فرهنگی ، بازاری ، نظامی و... به چشم می خوردند که از بوشهرو دیگر شهرها برای تشویق تیم محبوب خود به این ورزشگاه آمده بودند که این نشان از محبوبیت و مردمی بودن این باشگاه دارد. ۶- حسن غلامی بازیگر طنز صدا و سیمای بوشهر نیز به مانند بازیهای قبل تیم شاهین، به شهر اهواز آمده بود و به شدت هواداران تیم شاهین را جهت تشویق این تیم به وجد می آورد. ۷- حضور مدیر باشگاه شاهین اهواز در میان تماشاگران هوادار تیم شاهین بوشهر و تشویق شاهین بوشهر از نکات جالب این بازی بود. ۸- حاج محمد دوانی رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر چندین بار از سوی تماشاگران به دلایل مختلف مورد اعتراض قرار گرفت و بعضی از هواداران شاهین خواستار جدایی ایشان از هیئت فوتبال استان شدند. ۹- بعضی از هواداران شاهین نیز به دلیل اینکه حسین ماهینی بوشهری ، در مقابل تیم شهر خود قرار گرفته او را مورد اعتراض قرار دادند که این موضوع با اعتراض دیگر هواداران تیم قرار گرفت، چرا که او یک بازیکن حرفه ای است و حق دارد برای تیم خود در مقابل هر تیمی بازی نماید. ۱۰- به نظر می رسید که داوری این بازی چندان در سوت زدن های خود موفق نبوده و این عدم صحت در عملکرد داوری ، برای هر دو تیم اشتباهاتی را در پی داشت . ۱۱- هواداران شاهین بوشهر که پس از دریافت گل دوم ، تا حدودی از ادامه تشویق های خود سرد شده بودند، پس از ثبت گل دوم توسط کاپیتان تیم خود یعنی رضا بازیاری، تا پایان بازی بصورت ایستاده به تشویق تیم محبوب خود پرداختند. ۱۲- پس ازخروج هواداران تیم شاهین از ورزشگاه، در یکی از خیابان های منتهی به خیابان اصلی ، این هواداران با سنگ و آجر مورد حمله گروهی قرار گرفتند که پس از تماس با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ و حضور به موقع پلیس این افراد سریعاً متفرق شدند ولی مجدداً هواداران شاهین که بصورت دسته جمعی در حال حرکت به سوی اتوبوس های خود بودند، با حرکات پلیس متفرق شده و از کوچه های دیگر به سمت اتوبوس های خود حرکت نمودند. ۱۳- متاسفانه حرکات بعضی از افراد نیروی انتظامی در این ورزشگاه باعث ایجاد تنش هایی گردید که به راحتی با یک مدیریت صحیح ، می شد جلوی آنرا گرفت ، کما اینکه نظم و انضباطی که در بازی بین تیمهای شاهین بوشهرو سایپا در کرج ، شاهین بوشهر و ملوان بندر انزلی، تراکتور سازی و ابومسلم در بوشهر و ... از سوی نیروی انتظامی در ورزشگاه بر پا بود ، بسیار مورد توجه قرار گرفت با این تفاوت که در بازیهای ذکرشده تعداد تماشاگران نیز چندین برابر بازی روز جمعه شاهین بوشهر و استقلال اهواز بود.

شادی بوشهری ها لب کارون



سرهنگ یاوری که خودش جهت شوک مثبت به شاهین وارد شده بود در هفته هشتم در مقابل تیمی می خواست تعیین سیستم انجام دهد که از قضا آن هم دریافت ۱۴ گل و کسب تنها پنج امتیاز می خواست با مجید باقری نیا مربی بومی خود با پیروزی و کسب هر سه امتیاز خانگی روحیه ساز تیم استقلال اهواز گردد. ولی کماکان تاکتیک حفظ توپ و ضد حمله در دستور کار سربازان سرهنگ در سیستم ۲-۴-۴- بود که گل اول شاهین هم از روی ضد حمله و خلاقیت احمد پوری و پتروویچ به ثمر رسید.

یاوری در مصاحبه هایش اعلام داشته که اعتقادی به تساوی ندارد در انتخاب تاکتیک بیشتر نظرش حمله سراسری و فشرده و کسب پیروزی است. آن چه که در بازی با استقلال اهواز مشاهده گردید از حمله سراسری و محاصره وار تیم اهوازی خبری نبود زیرا ما در تیمی که شکل فشرده و حمله در زمین حریف می بایست خیمه زند و در موج حمله باید دواصل کلاسیک یعنی «سرعت و زمان بندی» شاهد باشیم. این دواصل تعیین کننده موفقیت در هر حمله ای می باشد. زمان بندی کار بازیکن پاس دهنده و ضربه زننده به توپ است و چنان چه تیم می خواهد در فضاهای مناسب بازی گروهی بیش از دو نفر به تماشا بگذارد باید نفر سوم هم به این چرخه اضافه گردد، زیرا نفر سوم وظیفه اش بازی بدون توپ و برهم زدن تمرکز مدافعان و آغاز پروسه ارسال توپ است و این اهوازی ها بودند که با ارسال توپ از تمامی نقاط زمین که در نیمه اول و دوم جمعاً ۲۷ بار مدافعین شاهین را تحت فشار قرار دادند و بوسیله بازیکن باهوش خود به نام میداودی دو گل به تور دروازه چسپاند و یک توپ وی هم به تیرک عمومی شاهین برخورد نمود.

تیم شاهین پارس جنوبی هنوز به سرعت تیمی مقبول و مطلوب دست نیافته است و اشتباه فردی و دفاع تیمی کاملاً مشهود می باشد و حرکت بدون توپ و انتقال توپ به دیگر مردان خودی و یا حمله با برتری عددی در باکس جریمه حریف که به نام «غنی سازی حمله و یا غنی سازی محوطه جریمه» لقب یافته چیزی مشاهده نگردید. انتظار این است در مسابقات پیش رو شاهین نیز بوی یک تیم تهاجمی، شجاع و برهم زننده تمرکز حریفان در طول و عرض زمین مسابقه بدهد.

محمود یاوری سرمربی شاهین بوشهر:

شفیع زاده به استقلالی ها گفته بود بخاطر من یاوری را له کنید



– جناب یاوری، بازی با استقلال اهواز بازی نفس گیری بود، بازی را چگونه دیدید؟

– البته ما بازی را می بایست می بردیم، من تمام لحظات بازی و دقایق آن را برای بچه ها تشریح کرده بودم، و به آنها گفتم که استقلالی ها در ۱۵ دقیقه پایانی بازی های گذشته بیشتر گل های خورده شان را دریافت کرده اند، چون از لحاظ بدنی کم می آورند. همین مسئله هم برای ما پیش آمد و بچه ها حرفهای من را گوش دادند، بهر حال فوتباله دیگه، نشد که ما برنده بازی باشیم.

– چرا در نیمه اول مدافعان این قدر به میلاد میداودی آزادی عمل می دادند یا بهتر بگویم خیلی خوب او را پرس نمی کردند؟

– میلاد بازیکن بسیار خوبی است و کنترل کردنش یک مقدار مشکله اما در نیمه دوم بیشتر تحت کنترل قرار گرفت.

– مثل این که مسئولین استقلال اهواز حسابی برای شما و شاهین برنامه داشتند؟

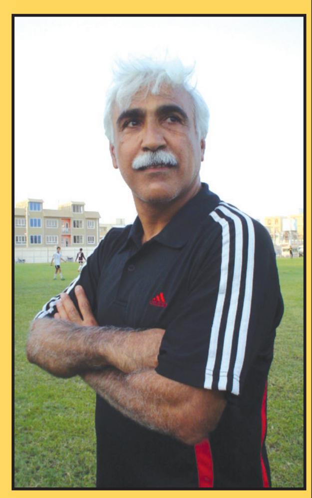
– بله خود شفیع زاده همه را بسیج کرده بود که فوتبالیست هایش بخاطر من هم که شده شاهین را شکست دهند. او در جلسه ای، قبل از مسابقه به بازیکنانش گفته بود یاوری با بازیکنان بی نام و نشانش پرسپولیس را در تهران متوقف کرده و مس را با ستاره هایش گل باران، شماهم بخاطر من یاوری را له کنید. بنده به عنوان مربی شاهین باید عرض کنم این صحبت ها برای یک مدیر خوب نیست.

– چرا مدافعان شما بسادگی پنالتی به حریف می دهند؟

– درسته که جوان هستند و تجربه رضا بازیاری را ندارند. اما همین جمال حق شناس روز به روز بهتر می شود. شما به بازی های او برابر پرسپولیس و مس کرمان نگاه کنید. انشاءا... که در آینده به هماهنگی لازم دست پیدا خواهند کرد.

حیدر عبداله زاده مربی اسبق تیم بزرگسالان شاهین بوشهر:

شاهینی ها از درد بی پدری، دوانی و وردیانی را پدر می خوانند



پنج شنبه هفته گذشته سری به محل تمرین تیم امید شاهین زدیم، آنها در زمین چمن کارگران بوشهر مشغول تمرین بودند. برای مصاحبه با سرمربی این تیم، حیدر عبداله زاده، به طرف ایشان رفتیم، وی خیلی درد دل داشت که همه شنیدنی بود هم برای شما خواندنی. او گپ های زیادی در دل داشت که به قول خودش به حرمت شاهین، زبانم را باز نمی کنم. ولی در خصوص محمد دوانی و حسین وردیانی گلایه زیادی داشت که برشهایی از گفته های او را در زیر می خوانید:

– من هیچ وقت ناراحتی را به دلم راه نمی دهم، ناراحتی ام این است که در تیم امید شاهین کسی جویای احوال ما نمی شود. در این تیم ما خودمان هستیم و حاج رضا عبداللّه زاده که فعلاً در شاهین مسئولیتی ندارد. من هم که تا بحال در این تیم مانده ام فقط بخاطر ایشان بوده است.

– خدا اموات آقای دکتر رضوی را بیامرزد که توانست پولی بیاورد به ورزش بوشهر، متاسفانه آقایان حسین وردیانی و محمد دوانی همیشه سد راه، شاهین بوده اند، این دو روحشان با باشگاه شاهین سازگاری نداشته. امیدوارم اگر قرار باشد پولی به فوتبال بدهند از دوانی دعوت نکنند.

– جسته و گریخته شنیده ام که آقای مهندس سوری هیچ علاقه ای به دوانی و وردیانی ندارد. ما خانوادگی شاهینی هستیم، سند گویای باشگاه شاهین همین حاج رضاست. من وظیفه دارم به هیات موسسین شاهین احترام بگذارم ولی متاسفانه چون دست شان خالی است از درد بی پدری، دوانی و وردیانی را پدر می خوانند.

– من خودم یک آدم رفیق باز هستم، با دوانی و وردیانی هم رفیق بازی کرده ام. ولی آنها قدردوستی و رفاقت من را ندانستند، کللی فرد به من گفت دوانی و وردیانی، تو را ز کادر فنی شاهین کنار گذاشتند. این دروغ بود که می گفتند کللی فرد اختیار تام دارد.

– یک استبداد در شاهین حاکم است که باعث این مسئله هم وردیانی و دوانی هستند، حالا که پول نیست آنها نیستند. اگر پول بیاید آنها هم می آیند، شما به تیم سپاهان نگاه کنید و یک نگاهی به تیم توحید داشته باشید ببینید، از کجا پول به توحید داده می شود.

– این را می دانم که آقای دوانی یکی دو میلیون تومان پول از تیم ها به عنوان آورده می گیرد، بعدش هم با مسائل مثل انضباطی و مسائل دیگری که برایشان می سازد، که هر یکی یک میلیون جریمه شان می کند و در آخر پول تیم ها را نمی دهد.

– دوانی اعلام کرده که ۳۵۰ میلیون تومان خرج استادیوم شهید بهشتی کرده، من می گویم ایشان این مبلغ را خرج نکرده اگر به من می دادند بهتر از این کار می کردم. شاید این پول برود برای توحید استفاده شود. باید تلی خراب شود تا گودی پر شود.

– آقای دوانی ما زحمت کشیدیم شاهین را به لیگ برتر آوردیم، مطمئن باش که پول پارس جنوبی تو گلوی تیم توحید پایین نمی رود.

– من دوست دارم در مطبوعات و رسانه های تصویری با دوانی مناظره ای داشته باشم که چه کسی درست می گوید و چه کسی اشتباه. امیدوارم برنامه نشان وقتی که قرار است سئوالی از دوانی کنند آن را حضوری بیاورند، نه تلفنی.

۱۲ساله های استقلال بوشهر نایب قهرمان ایران شدند



هفته گذشته مسابقات قهرمانی فوتبال زیر ۱۲ ساله های ایران با حضور ۸ تیم شموشک نوشهر،استقلال بوشهر،سپاهان اصفهان، سپید رود رشت، مرکزی، مازندران، کردستان و زنجان ، طی سه روز در شهرستان رامسر بر گزار شد که تیم خوش ترکیب استقلال بوشهر با هدایت خوب مربی خود، علی پور شاکر ملی پوش اسبق تیم های ملی نوجوانان، جوانان، ارتش وشاهین بوشهر، به مقام شایسته نایب قهرمانی ایران نایل گردید. تیم های شموشک و سپاهان نیز به مقامهای اول و سومی دست یافتند. لازم به ذکر است از تیم بوشهر ۸ بازیکن به اردوی تیم ملی زیر ۱۲ ساله ها دعوت شدند.اسامی تیم استقلال بوشهر: محمد پور شاکر،مهدی زنده بودی،امیر حسین کرمی ،مهدی پولادتن، حسین قادریان، پرهام نوروزی، مجتبی کشتگر، محمد رضا احمدی، مهدی کرمی، علیرضا محمد پور، رضا لری، عباس قلی زاده، آریا ماهینی، آرش علی زاده و مهدی تماری- مربی:علی پور شاکر- سرپرست: محمد حسن قادریان.

ایوان پتروویچ بازیکن شاهین:

ذهن خودم را با این حرفها خراب نمی کنم



–ایوان، بازی با استقلال اهواز را چگونه ارزیابی می کنید؟

– بازی خوبی بود، همه خوب بودند. ما با نصایح و فرامین آقای یاوری برابر استقلال اهواز بازی کردیم و خدارا شکر نتیجه خوبی گرفتیم.

– خودت یکی از بازیکنان خوب شاهین بودی، نظرت در این مورد چیست؟

– شما لطف دارید من همیشه دوست دارم خوب بازی کنم و خدا کمک کرد و توانستم در این بازی گل بزنم.

– با کسانی که از شما زیاد انتقاد می کنند و می گویند پتروویچ بازیکن خوبی نیست چه گپی دارید؟

–من برای شاهین بازی می کنم و برای موفقیت این تیم، برای من فرق نمی کند که چه چیزهای در رابطه با من می گویند، ذهن خودم را با این حرفها خراب نمی کنم.

–استقلال چه طور بود وهفته آینده با پاس چه کار خواهید کرد؟ – استقلال تیم خوبی است و این تیم به رده های بالاتر خواهد آمد در برابر پاس هم ما برای سه امتیاز و خوشحالی مردم بوشهر به زمین خواهیم آمد.

استقلال اهواز	آمار پایان بازی	شاهین پارس جنوبی
۱۹	خطا	۱۷
۳	کارت زرد	۱
۵	کرنر	۲
٤	موقعیت خطرناک گل	۳
۲	شوت در چارچوب	۲
۲	شوت خارج ازچارچوب	۳
۵	ضربه ایستگاهی	۵
۱	پنالتی	۱
۱۷	اوت دستی	۱۹
۲۷	ارسال توپ	۱۸
۸۸	پاس های سالم	۱۱۷
۳۱	پاس های غیرسالم	۳۲
۵	واکنش دروازه بان	٦
٪۵۰	درصد مالکیت توپ	٪۵۰
درصد گردش توپ در سه منطقه بازی		
زمین استقلال	میانه میدان	زمین شاهین
٪۱۵	٪٦۹	٪١٦



روی خط شاهین

عدم تمرکز دروازه بان شاهین در بازی با استقلال اهواز



مسعود کاوئیان دروازه بان اسبق شاهین بوشهر: به نظر من دروازه بان شاهین (مجتبی روشنگر) هر چند که تیم شاهین برابر استقلال اهواز به تساوی رسید و عملکرد آماری این گلر در طول نود دقیقه، ۶ مورد منفی و ۵ مورد مثبت بود، او روز خوبی را نداشت، روشنگر با اینکه سنگربان با استعداد، هوشیار و از سرعت عمل خوبی برخوردار است، اما روی توپهای مستقیم خوب عمل نمی کند و متاسفانه اکثر توپ ها را در یک مرحله جمع نمی کند. به عقیده من در برابر استقلال اهواز، با نشاط نبود و به نظر می رسید که تمرکز خوبی ندارد. او روی دومین گلی که شاهین دریافت کرد می توانست مانور دهد با توجه به این که میداودی از پشت خط فرضی نقطه پنالتی به هوا برخاست و به توپ ضربه زد. انشاءا... که توصیه های من را بپذیرد و شاهد دروازه بانی خوب او مقابل پاس همدان باشیم.

مردان خط دفاعی با ترس و پراشتباه بازی کردند



احمد رزمی مدافع اسبق شاهین بوشهر: خط دفاعی شاهین تا زمانی که گل اول را دریافت نکرده بود، بد کارنمی کرد، متاسفانه بعد از این لحظه، مردان خط دفاعی ما کمی با ترس و پراشتباه تر بازی کردند و به توپ ضربه می زدند. در بین مدافعان شاهین ، جمال حق شناس از تمرکز خوبی برخوردار نبود، تیم استقلال اهواز با یک مهاجم زهردار به نام میلاد میداودی به طرف دروازه شاهین حمله می کرد یعنی مهاجم همه کاره اهوازی ها بود که روی او خوب پرس انجام نمی شد، باید روی او یارگیری می شد که نشد. گل دومی که او با شاهین زد مدافعان بوشهری کاری به کاراو نداشتند. اما با شروع نیمه دوم، صحبت های استاد یاوری، روند بازی بازیکنان شاهین را روانتر کرد و تعویض های شایسته آقای یاوری در خطوط دفاع و هافبک، بوشهری ها را حاکم میدان اهواز کرد. امید است انشاءا... استاد یاوری با درایت خوب خود، خط دفاعی را به هماهنگی لازم برساند. من معتقدم در خط دفاعی شاهین، مهدی نوری بهترین بود. ولی در بین شاهینی ها پتروویچ همه کاره شاهین بود.

خط هافبک، بهترین خط شاهین به شمار رفت



بهادر مصری هافبک اسبق تیم شاهین بوشهر: با اینکه خط هافبک شاهین تا دقیقه ۹ هیچ پاسی به مهاجمان خود ندادند و در کل ۴۵ دقیقه اول فقط دو شوت توسط عبداله کرمی و پتروویچ بسوی دروازه استقلال اهواز شلیک شد. اما در طول نود دقیقه بهترین خط شاهین به شمار رفت. بازی نیمه اول شاهین چنگی به دل نمی زد. اما با شروع نیمه دوم یا بهتر بگویم نیمه مربیان، با جابجایی های که جناب یاوری در خط دفاع و هافبک صورت داد، شاهین جان تازه ای گرفت و اگر کمی خوش شناس بودیم می توانستیم پیروز میدان نیز باشیم. هافبک های ما: پتروویچ، کرمی، عبدی، ساندی و درآخر بازی پناهی زحمت زیادی کشیدند. امید این که اشتباهاتی که در روز بازی با استقلال اهواز صورت گرفت در بازی مقابل تیم پاس همدان که در بوشهر برگزار خواهد شد تکرار نشود و پنج شنبه آینده پیروز میدان باشیم. انشاءا...

مهاجمان شاهین بازیکنان خوب میدان اهواز بودند



رضا کهن پور مهاجم اسبق شاهین بوشهر: وقتی دو مهاجم شاهین، احمد پوری و پورخسروانی نزدیک به هم بازی می کردند، بازیکن از خط میانی به آنها نزدیک می شد، خطرناک تر نشان داده می شدند. وقتی به گل اول شاهین نگاه می کنیم، می بینیم که همکاری احمد پوری با یار نزدیک خودش(پتروویچ) چه قدر موثر واقع شد. چون مهاجمان ریز نقش هستند و زمانی که از هم دور می شوند خطرشان کمتر می شود. بهتر است با رعایت یک فاصله اصولی و نزدیک، خط دفاعی حریفان را بیشتر تحت فشار قرار دهند. در طول بازی عملکرد دو مهاجم شاهین را خوب ارزیابی کردم، اگر هافبک ها هماهنگی بیشتری با مهاجمان داشته باشند آن موقع هنر فورواردهای ما بیشتر هویدا خواهد شد. با این که مهاجمان شاهین بازیکنان خوب میدان اهواز بودند اما به نظر من ستاره بی چون و چرای شاهین در این بازی ایوان پتروویچ بود.